مكالمات روزمره

كُردى فارسى

به دو لهجه‌ى بادينى و سورانى

گردآورنده:
مجيد قوردونى ميلان

بسم الله الرحمن الرحیم

مکالمات روزمره

کردی به فارسی

(به دو لهجه بادینی و سورانی)

گردآورنده : مجید قوردوئی میلان

سرشناسه : قوردوئی میلان ، مجید

عنوان ونام پدید آور : خودآموز ومکالمات روزمره کردی به فارسی

(به دو لهجه بادینی وسورانی) تالیف مجید قوردوئی میلان

مشخصات نشر : ارومیه حسینی اصل ۱۳۸۲

مشخصات ظاهری : ۱۲۱ ص   شابک : ۹۶۴-۷۷۸۲-۱۴-۴

یاداشت : چاپ دوم ۱۳۸۴ – چاپ سوم ۱۳۸۶   موضوع : کردی – خودآموز – فارسی

رده بندی کنگره : ۹ق۲۱ آ / PIR ۳۲۵۶

رده بندی دیویی : ۹ فا ۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۵۰۴ – ۸۲ م

ارومیه : خیابان شهید منتظری تلفن ۲۳۵۲۴۰۳- ۰۴۴۱

نام کتاب : مکالمات روزمره کردی به فارسی

(به دو لهجه‌ی کرمانجی و سورانی)

گرد آورنده : مجید قوردوئی میلان

ویراستار : سید جلال نظامی

حروفچینی و صفحه آرایی: سارا برجاسی

نوبت چاپ : چهارم ۱۳۹۰

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

ناشر : مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل

شابک: ۹۶۴-۷۷۸۲-۱۴-۴

قیمت ۲۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان

خداوند متعال در قرآن کریم« زبان» را به عنوان عامـل تکلـم، در کنـار ویژگی «رنگ پوست انسانها» ، از آیات الهی بشمار آورده است.

وَمِنْ ءَايَـٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَـٰفُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَٰنِكُمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَـٰتٍ لِّلْعَـٰلِمِينَ ﴿٢٢﴾ {سوره روم}

و از جمله نشانه‌های خداوند، آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهـا و رنگهـای شماسـت. و در ایـن تنـوع خلقـت دلائلـی هـست بـرای دانایان(جهانیان).

خوشحالم از اینکه فرصتی به دست آمده تا بتوانم، بـا سـعی و کوشـش فراوان و مطالعه‌ی کتابهائی در زمینـه‌ی زبـان و ادبیـات کـردی(بخـصوص لهجه‌ی سورانی) مطالبی هر چند ناتمام در رابطه با خودآموزی و مکالمـات روزمره‌ی کردی (شمالی و جنوبی کرمانجی، سورانی) تهیه و تنظـیم نمـوده آن را در اختیار خوانندگان و علاقمندان به یـادگیری مکالمـات روزمـره‌ی زبان کردی قرار دهم و خوشحالم از اینکه، توانستم این خدمت ناچیز را، نه در حد ادبیات و فرهنگ غنی زبان کردی بلکه بـه انـدازه‌ی (لا یکلـف الله نفساً وسعها) به انجام برسانم.

جای دارد از تمام علاقمندان و خادمان فرهنگ و ادبیات کردی از جمله اساتید گرامی، دکتر مـصطفی خـرم دل، احمـد قاضـی، صـدیق صـفی زاده (بوره‌که‌ای)، دکتر محمدتقی ابراهیم پور، سید جلال نظامی، سید کافی علوی و دهها تن دیگر، که در زمینه های گونـاگون؛ از انتـشار، تـألیف، تحقیـق و

تفحص، در مورد واژه ها، ادبیات شفاهی، تاریخ، زبانشناسی و دستور زبان کردی از هیچ تلاشی فروگذاری ننموده اند، نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشم.

جای بسی خوشحالی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و براندازی رژیم خفقان طاغوتی، در پرتو رهنمودهای بنیانگذار انقلاب اسلامی و در سایه تلاشهای ریاست محترم جمهوری، و اهتمام مجلس و عنایت ارگانها و نهادهای زیربط، از دامنه محدودیت و ممنوعیت خواندن و نوشتن به زبانهای محلی و قومی، که مانع امحای مجموعه های بازمانده‌ی فرهنگهای قومی و هویتی گردید به نحو چشمگیری کاسته و حتی مورد تشویق قرار گرفت.

واقعیت امر این است که کتابهای اندکی به لهجه کردی شمالی(کرمانجی) در کشور ما تألیف شده است. کتابی را که اینک پیش روی شما قرار دارد، بنده با تلاشهای فراوانی گردآوری نمودم، و سعی نموده ام که تا حد مقدور از کلماتی استفاده نمایم که هم ریشه ای کردی داشته، و هم روزمره باشند. لذا اگر خطایی هم رفته باشد سهوی بوده و خوانندگان به بزرگواری و رهنمودهای خودشان بنده را یاری خواهند فرمود و با عنایت به اینکه بسیاری از کلمات و اسامی با زبانهای همجوار به صورت مشترک به کار می رود تلاشم بر این بوده، تا حدالامکان از صورت مستعمل آن استفاده نمایم. جملات با زمانهای مشخص و با توجه به موقعیتهای موجود به کار برده شده اند. کتاب موجود و لغاتی که در آغاز آن به کار برده شده اند لغاتی است در حد مکالمه، نه در حد فرهنگ لغات.

در آخـر لازم اسـت از تمـام دوسـتان و اسـاتید گرامـی؛ آقایـان سـید عبدالکریم حسینی، خالد عزیزی، بهرام روحانی زاده، رستم بروکـی مـیلان، سید شفیق شریفی نیا(قوردوئی میلان)، حسن بروکـی مـیلان، سـید حـسین قوردوئی میلان و سایر دوستان و آشنایان و هم دانشگاهیان عزیز که بنده را یاری و راهنمایی نمودند، نهایت تشکر و قدردانی نمایم.

در آخر از محضر خوانندگان و صاحب نظـران گرامـی تقاضـا دارم هـر گونه انتقاد، پیشنهاد و راهنماییهایی که در این رابطه دارند به آدرس :

ارومیه – خیابان شهید منتظری – انتشارات حسینی ارسال نمایند.

با تشکر

مجید قوردوئی میلان

ماکو۱۳۸۱

بحثی در مورد زبان کردی، ریشه، شاخه و گویشهای آن

زبان کردی یکی از کهن ترین زبانهای ایرانی و شاخه ای اصیل از زبانهای هند و اروپا می باشد.

زبانهای آریایی، هند و اروپایی، جزء یکی از خانواده زبانهای امروزی جهان است. و زبانهای هند و اروپایی به زبانهایی گفته می شود که اکثریت مردم ساکن شبه قاره هند تا غربی ترین نقطه اروپا پس از مهاجرت اروپائیان به آمریکا در تمامی این قاره بدان تکلم می کنند. وجه تسمیه‌ی آن نیز از همین جاست، این زبانها در مرحله ای بسیار کهن به زبان اصلی باز می گشتند که آن را هند و اروپایی مادر می نامیم. و زبان کردی که امروزه مردم بسیاری از ساکنین نواحی غربی و شمال غرب و جنوب غربی و طوایفی در شمال و مشرق ایران و مردمی در شمال و مشرق ترکیه و عراق و قسمتی از سوریه و قفقاز به آن تکلم می کنند، بدون شبه از زبانهای هند و ایرانی و یکی از شاخه های زبان فارسی باستان است. این زبان به طور مطلق زبانی است که در میان تمام قبایل و ایلات و عشایر کرد با اختلاف گویش و بعضی مصطلحات و تغییرات معمول است بطوریکه گویش یک قبیله با قبیله دیگری از اکراد متفاوت می باشد مثلاً: یک نفر از مردم اورامانات که به گویش « اورامی» سخن می گوید از زبان هم نژاد خود از مردم ایل میلان در شمال غرب ایران چیزی نمی فهمد و بالعکس.

ریشه زبان کردی، زبان مادی است، اگر چه از زبانی که مادها بدان صحبت می نموده اند اطلاعات دقیق در دست نداریم، اما دانشمندان متفقاً معتقدند که زبان مادیها و زبان پارسیان بسیار شبیه هم بوده اند.

زبان کردی، مانند هر زبان اصیل و باستانی، به طور زنده از مادر متولد گردیده و اندک اندک ریشه یافته، جلا و صیقل گرفته و دستکاری شده است. در مورد آریایی بودن زبان کردی، ما بین دانشمندان زبان شناس اروپایی و آسیایی اختلاف عقیده ای وجود ندارد و متفقاً بر این رأیند که زبانی است بسیار کهن و جزو زبانهای هند و اروپایی می باشد. دکتر بلچ در کتاب « القضیة الکردیه » می گوید:

اساس زبان آریایی، زبان هندی کهن است، که سانسکریت نام دارد، زبان کردی هم شاخه ای از زبان آریایی است، و سرچشمه زبان کردی کهن مادی است که اوستای زرتشت پیغمبر بزرگ با آن نوشته شده است.

روستائیان مناطق دور دست کردستان به لحاظ عدم معاشرت با ملت های دیگر و عدم تردد به شهرهایی که ساکنانش کُرد نیستند، اغلب کردی خالص و اصیل صحبت می کنند و در مکالمات خود واژه هایی بسیار جالب و اصیل به کار می برند که کردهای شهری و حتی روشنفکران کمتر معانی آنها را می دانند و هر فرد روستائی بی سواد کرد جداً دایرة المعارف متحرکی از لغات و ضرب المثل های اصیل و افسانه ها و روایات کردی می باشد.

نکته ای که نباید از نظر دور داشت این است که وجود لغات خارجی در هر زبانی دارای عواملی از جمله : نامهای بین المللی و اسامی داروها، اکتشافات و اختراعات چون برق، تلوزیون، تلفن، سینما، ماشین و غیره و

بسیاری از عوامل دیگر خصوصاً همسایگی با سایر کشورها نـه تنهـا زبـان کردی بلکه زبانهای دیگر نیز بدان مبتلا هستند و در آنها نیز وجود دارد و ما فقط می توانیم تعدادی از آنها را در زبان محاوره ای خویش معادل سـازی کنیم.

در مورد اصالت زبان کردی نیز می توان گفت که اگر ما خطـی بـه صـورت فلش از قسمت های شمالی ایران و کشورهای همـسایه بـه طـرف جنـوب ایران بکشیم رفته رفته زبان کردی اصالت خود را از دست می دهـد و ایـن به نظر من بدان علت می باشد که کلمات زیادی از زبان عربی و دیگر زبانها بدان وارد شده است. پس در این زمینه تأثیرپذیری می توان گفت کـردی از زبان فارسی، عربی، ترکی و همین طور فارسی از عربی و همینطور الی آخر کلماتی را گرفته اند و یا اگر به سایر زبانهای زنده دنیا نیز مراجعـه نمـاییم، خواهیم دید که از همدیگر متأثر شده اند مانند زبان انگلیسی از فرانسوی و برعکس. و این اختلاط زبان، طبیعی است کـه در نتیجـه تمـاس سیاسـی و اجتماعی و اداری چند هزار ساله بدست آمـده و تـأثیر و ضـرری در ایـن زبانها ندارد و امید ما فقط این است که زبانها همیـشه پـا بـر جـا بماننـد و دگرگون نشوند و روز به روز رشد و ترقی داشته باشند.

خلاصه زبان کردی در میان نواحی کردنشین چه در ایران و چه در خارج از ایران به شاخه هایی تقسیم شده و هر شاخه نیز گویش هـای متعـددی دارد که این اختلاف در شاخه و گویش سبب شده تا برخی از محققین و علمـای زبان شناس درباره ایرانی بودن و غیر ایرانی بودن زبان کردی نظریاتی ابراز داشته باشند .

شعب(شاخه های) زبان کردی و گویش های آن

زبان کردی مانند هر زبان دیگری دارای شعب و گویش های متعددی است دلایلی که برای اختلاف گویش های کردی آورده اند، یکی: اینکه زبان کردی پشتوانه معتبری از کتب علمی و ادبی و تاریخی ندارند، به همین دلیل در طی زمان دچار تغییرات زیادی گردیده است و در میان هر ایل و قبیله و ناحیه ای اصطلاحات و واژه های مخصوصی متداول شده است که در شعب های دیگر کردی نیست و یا در تکلم متفاوت است. دوم: اینکه صعوبت راهها و کوهستانی بودن مساکن ایلات و عشایر و محدود بودن روابط بین آنها سبب گردیده که هر طایفه و عشیره ای گویش بخصوص داشته باشد. و بلاخره همسایگی با غیر ایرانیها مانند ترکها و عربها که لغات بسیاری از این زبانها در برخی از گویش ها وارد شده است.

با این حال از قدیمی ترین ایام این اختلاف زبان در بین طوایف کرد مشهور بوده است. بطور کلی زبان کردی چهار شاخه اصلی دارد که در هر کدام دارای گویش های فرعی متعددی هستند.

۱- شاخه کرمانج شمال

۲- شاخه کرمانج جنوب

۳- شاخه کردی کرمانشاهی

۴- شاخه کردی اورامانی و گورانی

شاخه کرمانجی شمالی:

طوایفی که به این گویش تکلم می کنند عبارتند از:
الف) در ایران، طوایف: میلان، جلالی(زیلان)، حیدری، شکاک، هرکـی، در مناطق شمالی و استان آذربایجان غربی.
ب) در ترکیه، تمامی طوایف کرد ساکن ترکیه جز عده کمی(زازا)، زبانـشان کردی کرمانج شمال است کـه بیـشتر در منطقـه ارز روم، بایزیـد، هکـاری، شمدینان، بهدینان و طور عابدین و ماردین و دیاربکر سکونت دارند.
ج) تمامی طوایف کرد ساکن در شوروی(ققفاز)
د) در عراق بیشتر طوایفی که در نواحی اکـره(عقـره)، عمادیـه(دهـوک)، زاخو، سنجار ساکنند.
هـ) در سوریه، تمامی اکراد سوریه

شاخه کرمانج جنوب:

قسمت اعظم کردهای ایران و عراق به این لهجه تکلم می کنند و تقریباً زبان عمومی و کثیرالانتشار کردی به شـمار مـی رود. کـه در عـراق در منـاطق سلیمانیه، کرکوک، اربیل، کویه، رواندوز، دیانا و در ایران از جنوب دریاچـه ارومیه تا مغرب ناحیه کرمانشاهان بدان تکلم می شود و دارای سـه گـویش فرعی است:
الف) گویش کرمانج عراق(سورانی)
ب) گویش کرمانج مکری(مهاباد – سردشت)

ج) گویش کرمانج سنندج(اردلانی)

شاخه کردی کرمانشاهی

اغلب عشایری که در ناحیه کرمانشاه تکلم می کنند، دارای گویش خاصی می باشند که با گویشهای شمالی اختلاف دارد. این گویش همان است که سابقاً تنها گویش ایل کلهر و زنگنه بوده است، و امروز عشایر گوران و سنجابی و کلهر و سایر طوایف و اهالی بین کنگاو تا قصرشیرین و از روانسر تا ایلام به این گویش تکلم می کنند در حقیقت این گویش را باید گویش کردان شیعی مذهب و اهل حق دانست، زیرا در اغلب دهات بخصوص در دهات غربی کرمانشان سنی مذهبان به گویش کرمانجی و شیعی مذهبان به گویش کردی کرمانشانی تکلم می کنند.

شعب فرعی این گویش عبارتست از:

الف) گویش کردی گورانی

ب) گویش سنجابی

ج) گویش کلهری

د) گویش کلیائی

هـ) گویش صحنه و هرسین

شاخه اورامانی و گورانی

شعب فرعی این گویش عبارتند از:

الف) گویش زازا، این لهجه در ناحیه درسم و حوالی ارزنجان واقع در کردستان ترکیه بدان تکلم می کنند.

ب) گویش اورامان تخت

ج) گویش اورامان لهون

د) گویش ژاورود

هـ) گویش پاوه، قسمتی از جوانرود

و) گویش گورانی قدیم که زبان کتابت کتب، مذهبی اهل حق است.

ز) گویش ماچو ماچو که گویش سادات اهل حق است و ویژگی مذهبی دارد.

ح) گویش گهواره ای قدیم

ط) گویش کوره جوئی قدیم

ی) گویش بیوەنجی قدیم

ک) گویش قلاعی قدیم

ل) گویش کنوله(کندوله)

م) گویش باجلان، که در خاک عراق مقابل دشت زهات ساکنند.

طرز خواندن و نوشتن الفبای کردی و مقایسه آن با الفبای فارسی و عربی

در حال حاضر در کردستان دو نوع الفبا مورد استفاده قرار می گیرد. در نواحی شمال، یعنی کردستان ترکیه، سوریه، نواحی شمال، شمال غرب، شرق ایران و قفقاز مردم به گویش شمالی یا بادینی(کرمانجی) تکلم می کنند. در این مناطق به جز نواحی شمالی کردستان ایران به پیروی از نظام آموزشی ترکیه و ممنوع بودن الفبای عربی، کردها نیز در نوشتن از الفبای لاتین کمک می گیرند در بقیه مناطق کردنشین یعنی کردستان عراق و ایران از الفبای عربی استفاده می شود. باید یادآوری کرد که الفبای رایج در این نواحی ویژه زبان کردی وضع شده و با الفبای عربی و فارسی متمایز است.

این الفبا که در این خودآموز مورد استفاده قرار می گیرد به شرح زیر است: بعضی آن را ۳۶ و عده ای آن را ۳۸ و عده ای آن را ۳۵ حرف دانسته اند الفبای کردی که در این خودآموز مورد استفاده قرار می گیرد، دارای حروف زیر می باشد:

ئـ - ب ـ پ ـ ت ـ ج ـ چ ـ ح ـ خ ـ د ـ ر - ڕ ـ ز ـ ژ ـ س ـ ش ـ ع ـ غ ـ ڤ ـ ف ـ ق ـ ک ـگ- ل ـ ڵ ـ م ـ ن ـ و ـ هـ - ی .

حروف صدادار عبارتند از: ۸ حرف

ا ـ ه - و ـ ۆ ـ وو ـ ی ـ یا - ێ

پس الفبای کردی جمعاً ۳۷ حرف اند.

شیوه های تلفظ:

۱- حرف الف به دو صورت نشان داده می شود :

❖ اگر الف در اول کلمه باشد به صورت همزه نوشته می شود مانند: ئاش (آسیاب)، ئاگر (آتش) نشان داده می شود.
❖ ولی اگر الف بصورت کشیده در وسط و آخر کلمه باشد بصورت(ا) نشان داده می شود، مانند: بار(بار) درخت(دار) برادر(برا)

۲- حرف (ر) در آغاز واژه های کردی همیشه غلیظ تر و باز است به همین جهت علامت (ٚ) را در زیر آن حذف می کنیم. حرف (ڕ) در فضای وسیعتری بین زبان و کام به اجرا در می آید و معادل تلفظ (R) در اغلب کلمات انگلیسی مثلاً (door) می باشد. در قرائت قرآن کریم قاری ها به خوبی تلفظ این (ڕ) را در عبارت « الرحمن الرحیم » اجرا می کنند . پس نتیجتاً در زبان کردی دو نوع (ر) داریم؛
❖ (ر) کوچک مانند: سەر(سر) – برین(زخم)
❖ (ڕ) بزرگ مانند: شەڕ(جنگ) – بڕین(بریدن)

۳- حرف (ڤ) که بیشتر در کردی شمال به جای (و) در کردی میانه بکار می رود. که معادل(V) در زبان انگلیسی است که در تلفظ آن، لب پایین روی دندانهای فوقانی قرار می گیرد و هوا با فشار خارج می شود و صدایی بین (ف) و (و) ایجاد می گردد. لازم به توضیح است که در کردی میانه، دو یا سه کلمه داریم که این حرف(ڤ) را در خود دارند، مانند: بڤە ، کڤە

۴- در الفبای کردی حرف (ل) به دو صورت اجرا می شود:
الف: (ل) کوچک، مانند: آنچه که در زبان فارسی اجرا می شود: لێو(لب).
ب: (ڵ) بزرگ، تلفظی معادل (LL) در کلمات انگلیسی دارد: -call wall ، مانند کاڵ و ئاڵا ، همانطوریکه دیده می شود بر روی کلمات کاڵ و ئاڵ حرکت (ٚ) گذاشته می شود.
نکته:
پس با توجه به نکات بالا، سه حرف (ڕ، ڤ، ڵ)مخصوص زبان کردی بوده که در فارسی نظیر آنها را نداریم.
۵- حرف (ت) به جای (ت و ط) استفاده می شود.
۶- حرف (ز) به جای (ز، ذ، ض، ظ) به کار گرفته می شود.
۷- حرف(س) به جای (س، ث، ص) استفاده می شود.
نکته:
اگر به دقت این دو الفبای فارسی و کردی را مقایسه کنیم متوجه می شویم که حروف عربی(ط، ذ، ض، ظ، ث، ص) در کردی وجود ندارند. و به جای آنها از «س» به جای (ث و ص) و از «ز» به جای (ذ، ض، ظ) و از «ت» به جای (ط) استفاده می شود. پس ترجیحاً در زبان کردی اگر در کلماتی از این حروف نامبرده وجود داشته باشد ریشه‌ی آن کلمه عربی می باشد.
۸- به جای فتحه از علامت(ە- ـە) استفاده می شود. مانند سەر(سر)، کەڕ(کر)
۹- حرف صدا وار (و) به سه صورت تلفظ می شود.

الف: اگر «و» بصورت ضمه باشد از «و» کمک می گیریم. مانند: کورد(کُرد)
ب: اگر تلفظ (و) بصورت کشیده باشد از علامت (وو) کمک می گیریم مانند: دوور(دور)
ج: برای تلفظ (و) به شکل (o) در زبان انگلیسی از (ۆ) استفاده می شود. مانند: زۆر(زیاد)، نۆک(نخود).

۱۰- تلفظ (ای) به سه صورت نشان داده می شود.
الف: به جای کسره از علامت(ی) کمک می گیریم مانند: نیشانه (نشانه)، تیر(تیر).
ب: در زبان کردی کلمات مکسور به ندرت وجود دارد، غالباً تلفظ کشیده است که در این موارد نیز از همان علامت (ی) استفاده می شود. مانند: سیر(سیر)، پیواز(پیاز).
ج: تلفظ باز حرف (ی) را با این حرف(ێ) نشان می دهیم . مانند: نێر(نر)، شێر(شیر).

۱۱- در زبان کردی از علامت تشدید(ّ) استفاده نمی شود، پس در این صورت در کردی حرف مشدد وجود ندارد، یعنی اگر کلمه ای بصورت مشدد نوشته شود مسلماً از زبان عربی وارد زبان کردی شده است، در این صورت برای نوشتن آن، حرف مشدد دو بار نوشته می شود. مانند: کەللە(کله) و یا میللەت(ملت). باید توجه داشت که در کردی جنوب و میانه کلمات مشدد بسیار کم است و گرایش خاص این زبان بر این روال است که تشدید را از میان بردارد، مثلاً کردها به جای عزالدین، می گویند عێزەدین.

۱۲- و همچنین در زبان کـردی تنـوین (ً) را بـا (ن) مـی نویـسند،ماننـد: حه‌تمه‌ن(حتماً)

۱۳- چهار حرف زیرین به کردی شمال اختصاص دارد:

چ) آوایی میان (ج) و (چ)

پ) آوایی میان (ب) و (پ)

ط) ط

گ) آوایی میان (ک) و (گ)

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
گفتن	گۆتن	گوتن
شناختن	ناس کرن، ناسین	ناسین
آمدن	هاتن	هاتن
خوردن	خارن	خواردن
رفتن	چوون، چوییِن	رویشتن، چوون
مردن	مرن	مردن
آوردن	ئینان، ئانین	هێنان
نوشتن	نڤیسین، نڤیساندن	نووسین
انداختن	خستن، هاڤێتن، ئاڤیتن	هاوێشتن
روشن کردن	هلکرن، ڤێ خستن	هەڵکردن
پریدن	فڕین، فڕدان	فڕین
کشتن	کوشتن	کوشتن
جوشاندن	کەلاندن	کۆلاندن
گاز گرفتن	گەزتن، لەق لێدان	گاز گرتن
دعوا کردن	شەڕ کرن	شەڕ کردن
صحبت کردن	خەبەردان، قسەکرن، ئاخفتن، پەیڤین	قسەکردن، دووان
خریدن	کڕین	کڕین
زدن	لێ‌خستن، کوتان، لێدان	کوتان، لێدان
راندن	هاژۆتن، ئاژۆتن	لێ‌خوڕین
عوض کردن	ئەوەز کرن، گوهۆڕاندن	گۆڕین
سوراخ کردن	کون کرن، قول کرن	کون کرن
افتادن	کەتن	کەوتن
کشیدن	کشاندن، کێشان	کێشان
رسیدن	گهیشتن	گەیشتن

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
شستن	شوشتن	شوتن
شوهر کردن	مێر کرن، شوو کرن	شوو کردن، مێرکردن
فروختن	فرۆتن	فرۆشتن
فریب دادن	لێباندن، خاپاندن	فریودان
بوسیدن	ماچ کرن،پاچ کرن،راموسین	ماچ کرن
دانستن	زانین	زانین
سوار شدن	سوار بوون، سیار بوون	سوار بوون
بریدن	بڕین	بڕین
بازی کردن	لیستن، یاری کرن	کایه کردن
پژمرده شدن	چلمسین، چرمسین	سیس بوون، ژاکاو
دیدن	دیتن	دیتن
آراستن	خەملاندن	ڕازاندنەوە
خوابیدن	ڕازان،پاڵدان،نڤستن،راکەتن	نووستن، خەوتن
گم شدن	ئندا بوون، بەزربوون	ون بوون
پنهان کردن	ڤەشارتن	شاردن، شاردنەوە
شنا کردن	سۆمەرکرن، مەلەکرن،ئاژنی	مەلەکرن
داد و فریاد کردن	قیڕاندن، هەوارکرن، قیژاندن	هاوارکرن، قیژاندن
پوسیدن	ڕزین، ڕزیان	ڕزین
گرفتن	گرتن، ئستاندن	ستاندن
سپردن	سپارتن	سپاردن
سوختن	شەوتین، سوتن	سووتان
برگشتن	ڤەگەڕین، زڤرین	گەرانەوە، سووڕین
برگرداندن	زڤراندن، ڤەگەڕاندن	سووڕاندن

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
استفراغ کردن	ڤەرِەشین، هەلاوێتن	ڕشانەوە
قهر کردن	خەییدین، سڵ بون	زیز بوون
پیچاندن	بادان	بادان
بردن	برن	بردن
کوچک کردن	بچووک کرن، چوک کرن	بچووک کردن، چکولە کردن
آب دادن	ئاڤدان	ئاودان
باز کردن	ڤەکرن	کردنەوە
پر کردن	تژی کرن، پڕ کرن	پڕ کردن
التماس کردن	بەرگەڕان، تکاودالاهی کرن	پاڕانەوە
بو کردن	بێن کرن، بێهن کرن	بون کردن
جا گذاشتن	جی هیشتن، جی هێلان	بەجێ هێشتن
صدا کردن	گازی کرن	بانگ کردن، هەراکردن
رسیدن	گەهەشتن، گهێشتن	گەیشتن
جمع بودن	کۆم بوون، بەراڤ بوون	کۆبوونەوە
شکستن	شکاندن، نشکەستن، کەشتن	شکاندن، شکان
دزدیدن	دزین	دزین
پیاده شدن	پەیا بوون	دابەزین
نشستن	روونشتن	دانیشتن
بدگفتن	پیس گۆتن، خراب ئاخوفتن	پیس گۆتن، جوێن دان
سیر شدن	تێر بوون	تێر بون
تمام شدن	خلاس کرن، کوتاکرن،رەت کرن	تەواو کردن
درست کردن	چێکرن	چاک کردن، ساز کردن
کاشتن	چاندن	چاندن

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
تشنه، تشنه شدن	تی، تی بوون، تێنی	توونی، تینوو
خنده	کەن	کەن، پێ کەنین
خندیدن	کەنین	پێ کەنین
گرسنه	پرچی، برسی	برسی
نگه داشتن	راگرتن، خودان کرن، خویی کرن	بەخێو کردن، رایگرتن
پرسیدن	پرس(پرسیار)کرن، پرسین	پرسین
هل دادن	پاڵدان	پاڵدان، پاڵدانەوە
نشان	نیشان	نیشان
جلو افتادن	پێشکەفتن، پێش کەتن	پێش کەوتن
دروغ	ڤر، دەرەو	درۆ
خواندن	خاندن، خویندن	خوێندن
خم	خار، خۆر	خوار
پاره	درِیایی، درِی	درِی
دوست داشتن	حەز کرن، حەژێ کرن	خۆش ویستن، حەزلێکردن
قاطی، درهم	تێکەل، تەڤی هەو	تێکەڵ
دشوار، زحمت	دژوار، زەحمەت	دژوار، زەحمەت
دوشیدن	دۆتن	دۆتن
ایستادن	سەکنین، راوەستان	راوەستان
بایست	راوەستە، بسەکنە	راوەستە
تکان دادن	هەژاندن	ڕاتلەکاندن
می آیم	تێم، دێم	دێم
نوشته می شود	دێ نڤیسینێ،تێ نڤیساندنێ	دەنووسرێ
می گوید	دبێژە، دبێژیت	دەڵێ، دەبێژێ

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
پوشیدن	خۆکرن، بەرکرن	دەبەرکردن
مرده	مری	مری
عروسی	دەعوات، داوەت، گۆڤەند	زەماوەند، دەعوەت، گۆڤەند
شمردن	ژمارتن، هژمارتن	ژماردن
ریختن	رێتن، ڕژاندن	ڕشتن، ڕژین
تا کردن	قەت کرن	قەد کرن
خسته	ئاستی، ماندی، وەستیایی	ماندوو
ماندن	مایین، مان	مان، مانەوە
چراندن	چێراندن، چەراندن	لەوەڕاندن
جارو کردن	گێزی (گێزک) کرن، مالین	گەسک لێدان، مالێن
من	ئەز، من	ئەمن(من)
تو	تو	ئەتو(تۆ)
او	ئەو، وی، وێ	ئەو
ما	ئەم، مە	ئێمە
شما	هوون، وە	ئێوە
ایشان	ئەوان(ئەوانا)، وان	ئێوەنە
این	ئەڤ، ئەڤە	ئەم
آن	ئەو	ئەو
اینها	ئەڤەنە، ئەڤانا، ئەڤان	ئەوانە
آنها	ئەوانا (ئەوان)	ئەوان
مرا، برای من	مرا، بۆ من	بۆ من
تو را، برای تو	تەرا، بۆ تە	بۆ تۆ
او را، برای او	وێ — وی (ڕا)، بـــۆ (وێ — وی)	بۆ ئەو

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
ما را، برای ما	مەڕا، بۆ مه	بۆ ئێمه
شما را، برای شما	وەڕا، بۆ وه	بۆ ئێوه
ایشان را، برای ایشان	وانارا، بۆ وان	بۆ ئەوان
آمدم	ئەز هاتم	ئەمن هاتم
آوردی؟	ته ئانی، تەهێنا؟	ئەتو هێنات؟
خوردم	م(من) خار	من خواردم
یاری، کمک	ئالیکاری، هاریکاری	یارمەتی
دراز	درێژ	درێژ
کوتاه	کورت	کورت
زیبا	بەدەو، رند، جوان، جندی	جوان
زشت	کرێت، نەرند، کۆتی	پیس
خوب	باش، قەنج	باش
بلند	بلند	بەرز
بالا	ژۆرێ، سەرێ	سەرێ
پایین	خارێ، ژێرێ	خوارێ، ژێر
زیر	بن(بنی)، ژێر	بن، ژێر
رو	روو، سەر	سەری، لە سەر
گرم	گەرم	گەرم
سرد	سار	سارد
خنک	هێنک	فێنک
سبک	سڤک	سووک
سنگین	گران	قورس
لخت	ڕووت	ڕووت

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
بچه	بچـــووک، زار(زارۆک)، لاوک	رۆله، منداڵ(مناڵ)
کوچک	چووچـــک، بچـــووک، کووشکه	چکووله
بزرگ	مەزن، گر	گەوره
قسم	سووند	سۆیند
تقدیم	پێشکێش	پێشکەش
کینه	ڕک، کینه	قین، ڕق
آویزان	داردا کری، هەلایستی	هەلاویسراو
سوراخ	قول، کون	کون
گِل	حەڕی، کوڕ	قوڕ
عمیق، عمق	کوور، کوورایی	قووڵ،قوولایی
جدا	جهێ، جودا	جودا، جیا
برگ	بەلگ، پەلگ	گەڵا
استاد	مامۆستا، سەیدا	مامۆستا
تیز	تووژ، تیژ	تیژ
چشمه	کانی	کانی
روزه	رۆژی	رۆژوو
زغال	رەژوو	رەژی، رەژوو
عصا	چەلیک، چاکەل، کۆپال	گۆچان
خود	خو	خۆ
راه	رێ	رێ، ڕنگا
مسجد	مزگەفت	مزگەوت
شاد	شا، کێف خاش	کەیف خۆش
پسر	کوڕ، لاو	کوڕ

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
دختر	کچ، قیز	گچ، کەنیشک
اتاق	ئۆدە	وەتاق، ژوور، دیو
خواننده	دەنگ‌بێژ، هۆزان، ئستران‌بێژ	گۆرانی بێژ
کهنه	کەڤن، کەڤنار	کۆن
جوراب	گۆرە	گۆرەوی
جیب	جێو، بەریک	گیرفان
دکمه	بشکوک، بشکۆژ، قوپچک	دوگمە، قۆپچە
انار	هنار، هەنار	هەنار
لحاف	لحێف	لێفە، لەحێف
دیگ	بەرۆش، مەنجەل	مەنجەڵ
کلنگ	تەڤر	تەور
اشک	هێسر، روندک	ئەسرین، فرمێسک
خبر داشتن	هاژێبوون، ئاگادار بوون	بیستن، ئاگادار بوون
قیچی	مەقەس	مقەست
حیف	حەیف، مخابن	حەیف، بەداخەوە
چقدر	چقاس، چەندێ	چەندە
با هم	هەڤرا،تەڤ،ب هەڤرا، ڤێکرا	دەگەڵ یەک، پێکەوە
در اینجا	ڤێدەرێ دا، ل ڤرادا، لێرەدا	لەئەوێ، لێرەدا
در کجا؟	کیدەرێ دا؟، کور، ل کوو؟	لە کوێ؟
چرا	چما، بۆ چ، چرە	لەبەر چی، بۆ چی
تا	حەتا، حەیا	هەتا، تا
ستون	ئستوون، سوون	کۆڵەکە
لیوان	ئاڤخۆر، شەربک، لیوان	ئاوخۆر، شەربک
پشم	هری	خوری

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
بی طعم	بیَ تەعم، بێتام	بێتام
سقف	ئاروو ک(ئاریک)، بن بان	بەرەمیچ، بەری میچی
یاد	بیر	بیر، یاد
چوپان	شڤان	شوان
ستاره	ئستێرک	ئەستێرە
ییلاق	زۆزان، وار	هەوار، کوێستان
قشلاق	ئاران	گەرمین
آهن	هەسن، ئاسن	ئاسن
تخم مرغ	هێک، هێلک	هێلکە
رودخانه	چەم، رووبار	چەم، چۆم
تگرگ	تەیرۆک، تەرگ	تەرزە
باران	باران	باران
شب	شەڤ	شەو
روز	رۆژ	رۆژ
عزیز	دەلال، عەزیز، خۆشتەوی	خۆشەویست، ئازیز
تلخ	تاڵ، تەعل	تاڵ
نماز	نمێژ، نڤێژ	نوێژ، نۆژ
ترانه	ئستران، کلام، لاوژە	گۆرانی
دوست	دۆست، هەڤال	دۆست، هەوال
دشمن	دوژمن، نەیار، ناحەز	دوژمن
این وقت	ویَ قاسیَ، ویَ گاڤیَ، ویَ دەمیَ	ئەم دەم
آن وقت	ویَ گاڤیَ، ویَ دەمیَ	ئەو دەم
زنده	ساغ، زندی	زندوو، ساغ

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
عجله	لەز	پەلە
فقیر	بەلەنگاز، رەبەن، ژار	هەژار، نەدار
کاش	خازلا، خۆزی	بریا، خۆزگە
صبحانه	تاشتێ، تێشت	بەرچایی
نهار	ناڤ رۆژ، فراڤین	نەهار
شام	شیڤ	شیو
گذشته	دەرباس بووی، رابهووری	رابردوو
الآن	نکا، نۆکە، نهە، نها	ئێستا
هنوز	هەلا، هێشتا، هێ	هێشتا
اهل	خەلک	خەڵک
یکی بودن	یەک بوون	یەک بوون
عطسه کردن	پشکاندن،بهێژاندن، بێنشتن	پژمین، پشمین
یخ کردن	قەرمین، قەرسین	بەستەن، سەهۆڵ بەستن
باختن	دەردان، توراندن	دۆڕاندن
بردن	برن	برن
شورش کردن	سەرهلدان، شۆڕش کرن	هەستان، شۆڕش کردن
پوست کندن	سپی کرن، پۆست کرن	کەوڵ کردن
فرستادن	شاندن، هنارتن، رێکرن	ناردن
ورم کردن	ئارمین، پەرچڤین، وەرمین	هەڵمسان
کم عمق	تەنیسک، نە کوور	ناسک، تەنک
آغوش	هەمێز، پاخەل	باوەش، ئامێز
ادب	پێشک و تۆرە	تورە
ادیب	تۆرەڤان، بوێژ	ئەدیب، وێژەوان
آسیاب	ئاش	ئاش

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
آسیابان	ئاشڤان	ئاشوان
زرنگ	زیرەک، شورەت	زیت، زیرەک
زندگی	ژیان، ژین	ژیان
چوب	شڤ، دار	دار
خشک	حشک	وشک
خانەدار	بەرمالی، کابانی	لەبەرماڵێ، کابانی
انسان	ئنسان، مرۆڤ، مەرڤ	ئینسان، مرۆڤ
مردانگی	مێرانی، مێرخاسی	پیاوەتی
نانوا	نان پێژ	نان پێژ، نانوا
شکار	نێچیر، راو	ڕاو
شکارچی	نێچیروان، راوچی	ڕاوچی، ڕاوکەژ
خالی	ڤالا، بەتاڵ، خالی	خاڵی
باز کردن	ڤەکرن	واکردن، کردنەوە
آشکارا	ئەشکەرە	بەرچاوان، ئاشکەرە
جمعه	ئین، ئەینی	هەینی
امشب	ئیشەڤ	ئەم شۆ
آن طور	ئۆسا، وەتو، وەرەنگ	هەروا
من خوابیده ام	ئەز رازامە، نڤستمە	من خەوتووم، نووستووم
او دزدیده است	ئەوێ (ئەوی) دزی یە	ئەو دزیویە
او نخوابیده بود	ئەو رانەزابوو(نەرازابوو)	ئەو نەخەوتبوو،نەنووستبوو
من می گشتم	ئەز دگەڕیام	من دەگەڕام
من می کاشتم	من دچاند	من دەڕواند
شما فروخته بودید	وە فرۆتبوو	ئێوە فرۆشتوو بووتان
من خوابیده بودم	ئەز رازابووم	من خەوتوو بووم

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
ما می خندیم	ئەم دکەنن	ئێمە دەکەنین
من هستم	ئەز هەمە	من هەم
شما دارید	وە هەیە	ئێوە هەتانە
ما می شویم	ئەم دبن	ئێمە دەبن
آنها می گویند	ئەوانا (ئەوان) دبێژن	ئەوان دەڵێن
من می گویم	ئەز دبێژم(دێژم)	من دەڵێم
او نمی رود	ئەو(ئەوا) ناچە	ئەو ناچێ
من دارم می روم	ئەز وێ دچم	من خەریکم دەڕۆم
من بدانم؟	ئەز بزانم؟	من بزانم؟
گوشه	گۆشە، کونج، نج	گۆشە
داشت	هەبوو	هەبوو
پر خوری	گەڵەک (زۆر)خارن	زۆر خوارن
گردش، گردش کردن	گەڕ، گەڕین	سەیر، سەیران
آه	ئاخ	ئاخ
تف	توو، تف	تف
احمق	نەفام، نەزان	نەفام، نەزان
بردار	هلدە، ڕاکە	هەڵ گرە
رد شو	دەرباس بە	تێ پەرە
خسته نباشید!	نەڤاستی، ماندی نەبی!	ماندوو نەبی!
بیرون رفتن	دەرکەتن	دەرکەوتن
وارد شدن	کەتن	کەوتن
رخداد	قەومی	رووی دا
قبر	گۆڕ، مەرزەل، ترب	قەبر، گۆڕ
خرج	خەرج	خەرج

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
رو سیاه	ڕوو ڕەش	ڕوو ڕەش
آزاد کردن	بەردان، ڕزگار کرن	بەردان
جای(جا)	شوون، جی	شوێن، جێ
مشک آب	عیبیار	عئنار، مەشکی ئاو
دانشمند	زانا	زانا، بیلمەت
طلا	زێڕ	زێڕ
نقره	زیو	زیو
همبستگی	یەکتی	یەکیتی، یەکگرتن
هوشیار	هشیار، هشار	وریا
عشق	ئەڤین	ئەوین
خانه	خانی، مال	خانوو، ماڵ
امسال	ئیساڵ	ئەمساڵ، ئەوساڵ
پارسال	پار	پارساڵ، پارەکە
شاخه	چقڵ، چق	لق، چقڵ (چڵ)
حق	ماف، حەق	ماف
پرچم	ئاڵا	ئاڵا
خمیازه	باییشک	باویشک
خرده	هوور	ورد
عمده	گر	گرد
بحث	باس، بەحس	باس
نشانه	ئارمانج، نیشانگە	ئامانج
پشتیبان	پشتەڤان، لاگر	پشتیوان، لایەنگر
خاموش کن	بتەمرینە، وەمرینە	بکوژێنەوە
روشن کن	ڤێخە، هلکە	هەڵکە

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
باز کن	ڤەکە	بکەوە
در پی او	ب دوو وی، پەیێ وی	بە دوای ئەوە
جای دیگر	جییێ دنێ(دیکە) جییەک دی	جیێ دیکە، جیێ تر، جێگای دیکە
این روزها	ئەڤ رۆژانا، ڤان رۆژانە	ئەو رۆژانە
مال ما	یامە(یێ مە)	هی ئێمە
قدم	گاڤ، قەدەم	هەنگاو
جلو افتاده	پێش کەتی یە	پێشکەوتوویە
در آن	ل وێ، ل ئەوێ، تێدا	لەو، لە ئەو، تێدا
از	ژ	لە
هم	ژی	شی(ش)
که	کۆ	کە
به	ب، بۆ، بەر	بۆ، بەر
با	ب، پێ، گەل	بە، لەگەل
برای	بۆ، رِا	بۆ
آزمایش	جەرِباندن، ئازماییش کرن	تاقی کردن، ئەزموون
آزمایش کن!	بجەرِپینە!	تاقی بکەوە
در پارک	د پارکێ دا	لە پارکێ دا
میخ	بزمار	بزمار
مردار	مرار	مردار

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
سلام و تعارف	**سلاڤ و حالپرسی**	**سڵاو و تەعارۆف(چاک و خۆشی)**
سلام	سەلام، سلاڤ	سەلام (سلاو)
روز خوش	رۆژ باش	رۆژ باش
روزهای خوش	رۆژێ (رۆژانێ)خاش، خۆش	رۆژگاری باش
چطوری؟	تۆ چانی؟	تۆ چۆنی؟
خوبی؟	باشی؟	باشی؟
خوبم، متشکرم	باشم سپاس(تەشەکورێ دکەم)	باشم سپاس دکەم
شما چطورید؟	تۆ چانی؟	تۆ چۆنی؟
روز بخیر	رۆژ باش	رۆژ باش
صبح بخیر	سوبا تە ب خێر	بەیانیت باش
ظهر بخیر	نیڤرو باش	نیوەرۆت باش
شب بخیر	شەڤ باش	شەو باش
بد نیستم	خراب نینم	خراب نیم
اسم شما چیست؟	ناڤێ تە چیە؟	نێوت چیە؟
اسم من ... است	ناڤێ من ... ە	نێوی من ... ە
پیدا نیستی؟	دیار ناکەی؟	دیار نیی؟
من او را می شناسم	ئەز وی (وێ،ئەوی)ناسدکەم	ئەمن ئەوەی(ئەوی)دەناسم
آشناست	ناسە	ئاشنایە، ناسە
او دوست من است	ئەو هەڤاڵێ (دۆستێ) منە	ئەو دۆستمە(هەواڵمە)
برادرم است	برایێ منە	برامە
این آقا (مرد) کیست؟	ئەڤ مێرکا کی یە؟	ئەو ئاغایە، پیاوە کی یە؟
اهل کجاست؟	خەلکێ کێدەرێیە (کویێیە)؟	خەلکێ (کوێ یە)؟
بفرمایید!	کەرەم کە!	فەرموو!

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
بنشین	روونێ	دانیشه
من با آقای... ملاقات نمودم	م(من) ئاغایێ... مۆلاقات کر(دیت)	ئەمن چاوم بە ئاغای ... کەوت
ببخشید	ببخشە، ببۆرە	ببخشە، ببوورە
تازه آمدی؟	تازە هاتی؟	تازە هاتی؟
فردا صبح می روم	سۆبێ زوو، سپێدێ دچم (هەرم)	سبحەینێ، بەیانی دەڕۆم
سال نو مبارک	سالا تە یا تازە بمبارەک بە	ساڵی تازەت مۆبارەک
تولدتان مبارک	ژ داییک بوونا تە مۆبارەک	لە داییک بوونتان پیرۆز بێ
عید شما مبارک	عەیدا(جەژنا) وە پیرۆز بە	جێژنتان پیرۆز بێ
خیلی خوب	گەلەک(زۆر) باش	زۆر باش
به سلامت	ب سلامەتی	ب سلامەت
تبریک می گویم	پیرۆز بایی دێژم	پیرۆز بایی دەڵێم
موفق باشی	سەرکەڤی	سەرکەوی
باز هم تشریف بیاورید!	دیسازی وەرن، دیسازی تەشریفێ بینن!	دیسانیش تەشریف بهێنن!
سلام برسانید!	سلاڤێ بگهینن!	سلاو بگەینن!

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
زمان و وقت	**زەمان (چاخ)،دەم (وەخت)**	**چاخ، کات**
ثانیه	سانیه	سانیه
ساعت	سعەت، دەم ژمێر	سەعات، کات ژمێر
روز	رۆژ	رۆژ
ماه	مەه، هەڤی، هەیڤ	مانگ
سال	ساڵ	ساڵ
شب	شەڤ	شەو
اول شب	ئەوەلا شەڤێ	ئەوەڵی شەو
نصف شب	نیوێ شەڤێ	نیوەشەو
آخر شب	ئاخریا شەڤێ	ئاخری شەو
صبح	سوبە، بەیانێ	بەیانی
سپیده‌ی روز	سپیا ڕۆژێ، سپێدە	سپیایی ڕۆژ
ظهر	نیڤرۆ، ناڤارۆژێ	نیوەڕۆ
بعد از ظهر	پشتی (پاش) نیڤرۆ	پاش(دوا) نیوەڕۆ
عصر	ئێڤارێ، عەسر	ئێوارە، عەسر
مشرق	رۆژ هەڵات	ڕۆژ هەلات
مغرب	رۆژ ئاڤا	ڕۆژ ئاوا
شمال	باکوور	باکوور
جنوب	باشوور	باشوور
امروز	ئیرۆ، ئەڤرو	ئەمرۆ
دیروز	دۆه، دوهونێ	دوێنێ
شب اول	شەڤا ئەوەل	شەوی ئەوەڵ
فردا	سوبێ، سبەینێ	سبحەینێ، بەیانی
امشب	ئیشەڤ	ئەو شەو
دیشب	دۆه شەڤ، شەڤێدی	دوێ (دوێنێ) شەو

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
پریشب	پێرێ شەڤ، شەڤادی	پێرێ شەو
دو روز پیش	دۆ رۆژێ پـــێش، دۆ رۆژ بەری نها	دوو رۆژ لەوە پێش
خوش می گذرد؟	باش دەرباس دبە(بدیت)؟	خۆش دەگوزەرێت؟
تمام شب	تەمامیێ(تەواویێ) شەڤێ	تەواوی شەو
امروز یکشنبه است	ئیرۆ یەک شەمبەیە، ییک شەمبیە	ئەو رۆ یەک شەممەیە
امروز چه روزی است؟	ئیرۆ چ رۆژەکە؟	ئەو رۆ چ ڕۆژێکە؟
چه وقتی است؟	چ ئاختە؟ چ وەختە؟	کات چیە؟
سال گذشته	سالا چوویی	سالی ڕابردوو
ماه اینده	مەها(هەڤیا)دێ	مانگی داهاتوو
امسال	ئیسال	ئەوساڵ
ساعت چند است؟	سعەت چەندە؟	سەعات چەندە؟
ساعت پنج و نیم است	سعەت پێنج نیڤە	سەعات پێنج نیوە
عصر ساعت هفت	پشتی نیڤرو سعەت حەفتا	ئێوارە سەعاتی حەوت
ساعتم درست کار نمی کند	سعەتا م(من) باش ناخەبتە	سەعاتەکەم باش کار ناکە
چه وقت بیایم؟	چ ئاختێ وارم؟کەنگی بێم؟	چ وەختێ بێم؟ کەی بێم؟
سه روز	سێ رۆژ	سێ رۆژ
همه روزه	هەموو رۆژێ	هەموو رۆژێ
نگران نباشید	نیگەران نەبن	نیگەران مەبن(نەبن)
تمام روزم	تەمامیێ(تەواویێ)رۆژام	تەواوی ڕۆژم
هفته ای یک بار	حەفتیێ جارەکێ	حەفتەیێ جارەک

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
روزهای هفته و فصلهای سال	**رۆژێن حەفتیێ ژ داتێد سالێ**	**رۆژەکانی حەفتوو وەرزەکانی ساڵ**
شنبه	شەمبە، شەمبی	شەممە
یکشنبه	یەکشەمبە، یکشەمبی	یەک شەممە
دوشنبه	دۆشەمبە، دۆشەمبی	دووشەممە
سەشنبه	سێشەمبە، سێشەمبی	سێشەممە
چهارشنبه	چارشەمبە، چارشەمبی	چوارشەممە
پنجشنبه	پێنجشەمبە، پێنجشەمبی	پێنج شەممە
جمعه	ئینی، ئەینی	جۆمعە، هەینی
بهار	بهار	بەهار
تابستان	هاڤین	هاوین
پاییز	پاییز	پاییز
زمستان	زوستان، زستان	زستان
من روز پنجشنبه به بازار می روم	ئەز رۆژا پێنج شەمبێ دچمە بازارێ	ئەمن رۆژی پێنج شەممە دەچمە(دەڕۆم بۆ) بازارێ
در زمستان هوا خیلی سرد است	زوستانێ دا هەوا(گەلەک) سارە	لە زستانێ هەوا زۆر واردە
ما تابستان به دریا می رویم	ئەم هاڤینێ دچنە بەحرێ	ئێمە هاوینێ دەچینە (دەڕۆنە) بۆ بەحرێ
امروز چه روزی است؟	ئیرو چ رۆژەکە؟	ئەو ڕو چ ڕۆژێکە؟
من در روز جمعه کار نمی کنم	ئەز رۆژا ئەینی ناخەبتم (شۆل ناکم)	ئەمن رۆژی هەینی کار ناکەم
در فصل پاییز برگ درختان می ریزد	ل دانێ پاییزێ دا بەلگێ داران هردشێن(دڤەرن)	ل وەرزێ پاییزێ دا بەرگی داران دەرژێن
برای یکسال کافی است	ساڵەکێ را(بۆ ساڵەکێ) بەسە	بۆ ساڵێک بەسە

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
غذاها	**خۆرەک**	**خواردەمەنیەکان**
نان	نان	نان
نمک	خۆێ، خێ	خوێ
گوشت	گۆشت	گۆشت
سیب زمینی	سێڤک، قارتۆپی، کارتول	پەتاتە، یەرەڵماسی
برنج	برنج	برینج
پیاز	پیواز	پیواز
تخم مرغ	هێک، هێلک	هێلکە، خا
پنیر	پەنیر	پەنیر
روغن	روون	رۆن
ماست	ماست	ماست
دوغ	دەو، دۆ	دۆ
شیر	شیر	شیر
فلفل	بیبار، بیبەر	بیبار
سبزی	پنجار، پانجار	سەوزی
جوجه	جووجک	جۆچک
مرغ	مریشک	مریشک
گوشت گوساله	گۆشتێ گۆلکێ	گۆشتی گۆلک
گوشت اردک	گۆشتێ واردەکێ (ئۆردەکێ)	گۆشتی مراوی
دل و قلوه و جگر	دڵ و گورچک و جەرگ	دڵ و گۆرچیلە و جەرگ
ماهی تازه	ماسی یێ تازە	ماسیی تازە
کله پاچه	سەرۆپێ، سەر پێ پک	سەرۆپێ
سوپ	سووپ	سووپ
خورش	خۆرش، خۆرشت	خۆرشت
آش	گرار، ئاش	ئاش

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
میوه	میوه، فیقی، ئێمیش	میوه
قارچ	کاری، کارک، کوڤارک	گارگ، قارچک
سالاد	سالاد، سەلەتە	سالاد
جو	جەهـ	جۆ
گندم	گەنم	گەنم
دلمه	دۆلمە	دۆڵمە
ساندویچ	ساندویچ، پالۆز	ساندویچ، بالۆلە
نوشابه	نووشابە	نۆشابە
پیتزا	پیتزا	پیتزا
بستنی	بەستەنی	بەستەنی، ساردەمەنی
گوشت گاو	گۆشتێ گا(حەیوان رەشا)	گۆشتێ گا(مانگا)
چربی	دۆن، دۆهن(بەز)	چەوری، بەز
عسل	هنگڤین، هنگوڤ	هەنگوین
استخوان	هەستی، هێستک	ئێسک، ئێسقان
بادام	بادام، باهی	بادام
گردو	گووز، گیز	گوێز
شورشیر	ژاژی، دوراق	شیرێژ
آبگوشت	ئاڤ گۆشت، شۆربە	ئابۆگۆشت
خیار شور	خییار شۆڕ	هارویێ بەترش
گوشت بره، گوسفند	گۆشتێ بەرخ، پەز	گۆشتێ بەرخ، مەڕ
شام چی می خوری؟	شیڤێ چ دخۆی؟	شیوێ(شامێ) چ دەخۆی؟
نوشابه هم بیاورم؟	نووشابێ ژی بینم؟	نۆشابەش بێنم؟
نان گرم داریم	مە نانێ گەرم هەیە	نانی گەرممان هەیە
دو کیلو برنج خوب بکش!	دو کیلۆ برنجێ باش بکشینە(بکێشە)	دوو کیلۆ برینجی باش بکێشە

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
من سبزی نمی خورم	ئەز پانجار ناخۆم	ئەمن سەوزی ناجۆم
تو زیاد کشیدی	تە زەعف(زۆر)کشاند،کێشا	زۆرت کێشا
تو اینها را خریدی؟	تە ئەوانا کرینە؟	ئەتۆ ئەوانەت کڕیوە؟
برای بدن ما ویتامین لازم است	بەدەنا مەڕا(بۆ بەدەنا مە) ویتامین لازمە	بۆ بەدەنی ئێمە ویتامین لازمە
این میوه ها بهداشتی نیستند	ئەڤ میوانا بێهداشتی (تەمییز)نینن	ئەو میوەکان بێهداشتی (خاوێن)نین
گوشت مرغ کیلویی چند است؟	کیلۆا گۆشتێ مریشکێ چەندێ یە؟	یەک کیلۆ گۆشتی مریشک بە چەندە؟

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
آشنایی (شناختن)	**ئاشنایی (ناس کرن)**	**ئاشنایی (ناسین)**
اسمت چیه؟	ناڤێ ته چیه؟	ناوت چیه؟
اسم من حسن است.	ناڤێ م(من) حەسەنە.	ناوی من حەسەنە.
شما را با او آشنا کنم.	تە وی ڕا بدم ناساندن، تە وی‌نی را بدمه ناس کرنێ	ئەتوو به ئەوه بناسینم
آشنا	ناس کری	ئاشنا، ناس
اهل کجا هستید؟	خەلکێ کۆیی؟خەلکی کیدەرێ‌یی؟	خەلک کوێی؟
من اهل ماکو هستم	ئەز خەلکێ ماکوویێ مه	ئەمن خەلکی ماکوویێ مه
تو مرا می شناسی؟	تۆ م(من) ناس دکی؟	ئەتو من دەناسی؟
بلی می شناسم	بەلێ (ئەرێ) ناس دکم (دناسم)	بەڵێ دەناسم
برادرم در اینجا معلم است.	برایێ منێرە(ڤرا)مۆعەللمه.	برام لێره مۆعەللیمه.
چه خوب	چ باش	چ باش
قیافه‌ات برای من آشناست.	قیافا ته مرا(بۆ من)نیاسه، قیافا ته مرا ناس کریه.	قیافەت بۆ من ئاشنایه.
چقدر هم جالب!	چقاسی ژی بالکێش(رند)!	چەندەش سەرنج راکیش!
عجب!	عەجەب!، عەجیب!	عەجەب!
شاید، ممکن است	رەنگە، دبه، مۆمکنه	بۆی ئەشێ، مۆمکینه
بار اول است	جارا ئەوەله، جارا یەکێ یه	جاری یەکەمه
شما خیلی وقت است اینجا هستید؟	زوودانە(مێژومیە) هوون ڤێدەرێ نه(نێرەنه)	ئێوه له مێژه لێرەنه؟
از این کشور خوشتان می آید؟	ئەڤ وەڵاتا وەرا(بۆ وه) خاشه؟	ئەو وەڵاته پێتان خۆشه؟
در کجا زندگی می کنید؟	ل کۆ دژی؟	ل کۆێ دەژیی؟
در مهاباد درس می خوانم.	مهابادێ دا دەرسێ دخوونم.	ل مهابادێ دەرسێ دخوێنم.

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
خەریکی چ کارێکی؟	تۆ مژوولی چ شووغلیێیی (شۆلیێیی)؟	مشغول چه کاری هستید؟
پێکەوەن؟	هوون گەلهەڤن(هەڤرانن)؟	با هم هستید؟
ژنت هێناوە؟	تە ژن ئانی یە(ئینایە)؟ تۆ زەوجیی؟	ازدواج کرده اید؟
ئەم شارە چۆنە؟	ئەڤ شەهرا(باژێرا)چانە؟	این شهر چگونه است؟
لە پێشدا هاتووی بۆ ئێرە؟	پێشداژی هوون هاتنە(ڤرا، ئێرە)؟	قبلاً به اینجا آمده اید؟
لە مێوان خانەی؟	هۆتێلێ دایی؟، مێڤانخانێ دایی؟	در هتل هستید؟
بە تەنێ مە	ب تەنێ مە، تنێ مە	تنها هستم
خۆشحاڵ بووم	خۆشحال(کەیفخۆش)بووم	خوشحال شدم
ئەوە نێو نیشانی منە	ئەڤا ئادرێسا(ناڤ نیشانا) منە.	این آدرس من است.
وەرزیش دەکەی؟	وەرزشێ دکی؟	ورزش می کنید؟
دڵم تەنگ دەبێ	دلێ م تەنگ دبە	دلم تنگ می شود
پیاوێک هاتوو تۆی دەویست نەم زانی ناوی چ بوو.	مێرکەک هاتبوو تو دخاستی، م نزانبوو (م نەزانی)ناڤێ وی چ بوو.	مردی آمده بود تو را خواست، نفهمیدم اسمش چی بود
ئێمە تا ئێستا ئەوانەمان نەدیوە.	مە حەتتانی نها(نهە) ئەوانا نەدیتنە.	ما تا بحال آنها را ندیده ایم.
نازانم ئەو پیاوە لە کوێ دیوە.	ئەز نزانم من ئەڤ مێرکا کێدەرێ (کۆی) دیتی یە.	من نمی دانم این مرد را کجا دیده ام.
لە ئاسنایی تۆ خۆشحاڵ بووم.	ژ ناس کرنا تە خۆشحال (شا) بووم.	از آشنایی شما خوشحال شدم.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
افراد فامیل	خزم و کەس	کەسەکانی بنەماڵە
مادر	دایک، دی	دایک
پدر	باڤ، باب	باوک
برادر	برا	برا
خواهر	خووشک، خا	خۆشک
عمو	ئاپ، مام	مام، ئامۆ
دایی	خال	خاڵ
زن	ژن	ژن
عمه	مەت	پوور، میمک
مرد	مێر	پیاو، مێرد
خاله	خاڵتیک، خاڵەت	پوور
پدربزرگ	کالک، باپیر	بابە گەورە
مادربزرگ	پیرک، داپیر	نەنک
پیرمرد	پیرەمێر، کالەمێر	پیرەمێرد
پیرزن	پیرەژن	پیرەژن
ناپدری	زڕ باو، زڕ باب، باوێ ئۆگە	زڕ باب
نامادری	زڕ دایک،دایکا ئۆگە،ژن باب	زڕ دایک
برادر ناتنی	زڕ برا، برێ ئۆگە	زڕ برا
خواهر ناتنی	زڕ خووشک، خووشکا ئۆگە	زڕ خۆشک
زن عمو	ژن ئاپ، ژن مام	ئامۆژن، مامۆژن
زن داداش	ژن برا	برا ژن
زن دایی	ژن خال	ژنی خاڵ، خاڵۆژن

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
دختر	کچ، کەچ، دۆت	کچ، کیژ
شوهر	مێر، شوو	شوو، مێرد
برادر بزرگ	برایێ مەزن، کەک	براگەورە، کاک
خواهر بزرگ	خووشکا مەزن	خوشکی گەورە
زن برادر	ژن برا	برا ژن
خواهر زن	خوشکا ژنێ، بالدووز	ژن خۆشک
برادر زن	براژن، بوورا	برای ژن، ژن برا
نوزاد	بچووک، زارۆکا ڤرنی(ساڤا)	کۆرپە
شیر خوار	شیر خۆر	شیرەخورە
بچه	زار، زارۆک	منداڵ، مناڵ
دوست	دۆست، هەڤال	دۆست، هەواڵ
آشنای نزدیک	نیاس، ناس کرییێ نێزیک	ئاشنایی نزیک
نوه	نەوی	نەوە
دوقلو	جەمک، هەڤال جێوی	ئاواڵ دوانە
باجناق	باجاناق، هەڤال زاوا	ئاواڵ زاوا، هاواڵ زاوا
داماد	زاڤا	زاوا
عروس	بووک	بووک
پدر زن	خەزوور	خەزوور
مادر زن	خاسی، خەسوو	خەسوو
پسر خواهر (خواهر زاده)	خارزی، کۆر خووشک	کوڕی خوشک، خوشکەزا
دختر خواهر (خواهر زاده)	خارزیا، خارزا	کچی خوشک، خوشکەزا
پسر عمو	کوڕئاپ، کوڕ مام	ئامۆزا، کوڕی مام
دختر عمو	دۆت مام، کچ مام	کچی مام، کچەمام
مادر زن بفرمایید برویم!	خاسییێ کەرەم کە ئەمهەرِن!	خەسوو فەرموو با بڕۆین!
ایرانیها همه برادرند.	ئیرانی هەموو برانە.	ئێرانیەکان هەموو برانە.

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
ئەحمەد کوڕێکی زیرەکە (زرنگە).	ئەحمەد کوڕەکی زیرەکە.	احمد پسر زرنگی است.
ئەحمەد و عەلی برانە و پێکەوە کایە دەکەن.	ئەحمەد و عەلی برانە و تەڤ دلیزن.	احمد و علی برادرند و با هم بازی می کنند.
خوشکی وەرە با بڕۆین!	خووشکێ وەرە(وارە)ئەم هەڕن(بچن)!	خواهر بیا برویم!
کوڕە هەستە وەرە!	کوڕۆ ڕابە وەرە!	پسر پاشو بیا!
زڕ کوڕ	زڕ کوڕ، کوڕێ ئۆگە	ناپسری
زڕ کچ	کچا ئۆگە، قیزا ئۆگە	نادختری
کوڕ	کوڕ	پسر

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
زبان، فرهنگ	**زمان(عەزسان)، فەرهەنگ**	**زمان، فەرهەنگ**
صحبت	خەبەر، قسە، ئاخوفتن	قسە
لهجه	لەهجە، زاراوە	لەهجە، زاراوە
نوشته	نڤیسار، نڤیس	نووسراو
فرهنگ	فەرهەنگ، چاند	فەرهەنگ
لغت	لۆغەت، واژە	وشە، واژە
کلمه	کەلمە، پەیڤ	کەلەمە، وشە
جمله	رەستە، رێژک	رەستە
ریشه	رێچال، رەھ	ریشە
مدرسه	مەدرەسە،مەکتەب، خاندنگە	مەدرەسە، قوتابخانە
یادگرفتن	فێربوون، هیم(هین) بوون	فێربوون
فارسی بلدی؟	فارسی دزانی؟	فارسی دەزانی؟
می خواهم ترکی یاد بگیرم.	دخازم تورکی فێر(هیم)بم.	دەمەوێ تورکی فێر بم.
کمی متوجه می شوم	هنەکێ(هندەکێ)سەرئاخت دبم(تێدگەهم).	کەمێکی تێدەگەم.
می توانم کردی صحبت کنم	دکارم کوردی قسە کەم، دشێم کوردی باخوڤم.	دەتوانم کوردی قسە بکەم.
در کجا یاد گرفتی؟	کوردی کێدەرێ دا هیم(فێر)بووی؟	کوردی لە کوێ فێر بووی؟
در ماکو	ل ماکوویێ، ماکوویێ دا	لە ماکوو
در مهاباد	ل مهابادێ، مهابادێ دا	لە مەهاباد
در مدرسه‌ی خصوصی	ل مەدرەسا تایبەتی (خسوسی)	ل قوتابخانەی تایبەتی
لهجه‌ی شما خیلی خوب است	لەهجا تە گەلەک (زۆر)باشە	لەهجەی تۆ زۆر باشە
زیاد بلدم	زەعف (زۆر) دزانم	زۆر دەزانم

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
گوش کن!	گوه بدێ!	گوی بده!
به اینها چه می گویند؟	چ دبێژنـه ڤانـه، ڤانـارا چ دبێژن؟	به ئەوانە چی دەڵێن؟
شما خوب صحبت می کنید!	تۆ ڕند خەبەر ددی، تۆ باش قسەدکی (دئاخوڤی)!	تۆ باش قسە دەکەی!
شما فرهنگ دارید؟	فەرهەنگا وە هەیە؟	فەرهەنگتان هەیە؟
زبان کردی خیلی به زبان فارسی نزدیک است.	زمانێ کوردی گەلەکی نێزیکی زمانێ فارسی یە.	زمانی کوردی زۆر نزیکی زمانی فارسیە.
زبان کردی آنقدرها هم سخت نیست.	زمانێ کوردی ئەو هندەژی (هقاسیژی) زەحمەت نینە.	زمانی کوردی ئەوەندەش گران نیە.
خواهم آموخت	دێ فێر بم.	فێر دەبم.
فرهنگ و ادبیات کردی	فەرهەنگ و ئەدەبا کوردی	فەرهەنگ و ئەدەبی کوردی
این کتاب را بخوان!	ئەڤێ کتێبێ بخوونە!	ئەو کتێبە بخوێنەوە!
آنچه را دیده ام می نویسم.	ئەوا کو م(من) دیتییە دنڤیسم.	ئەوەی دیتوومە دەینووسم.
زبان کردی ریشه دارد.	زمانێ کوردی بنێشە هەیە.	زمانی کوردی ریشەی هەیە.
من به لهجه‌ی بادینی (کرمانجی شمالی) صحبت می کنم	ئەز ب زاراوا کوردییا بادینی (کۆرمانجیا باکووری) دئاخوڤم(قسەدکم)	من ب زاراوەی کوردی بادینی (کۆرمانجیی باکوور) قسە دەکەم.
کردی سورانی لهجه‌ی شیرینی است.	کۆردیا سۆرانی لەهجەکە شرینە.	کوردی سورانی لەهجەیەکی شیرینە.
حتماً موفق می شوی	حەتمەن سەر دکەڤی	حەتمەن سەر دەکەوی.
از کمکتان متشکرم.	ژ ئالیکاریا، (هاریکاریا) تە سپاس دکم.	لە یارمەتیتان سوپاس دەکەم.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
می توانی یکبار دیگر هم بگوئی؟	دکاری جارەکە دیژی(دن ژی) بێژی؟	دەتوانی جارێکی دیکەش بیڵێ؟
چشم می گویم.	سەر چاڤا دێ بێژم.	بە سەر چاوم، دەڵێم.
خیلی ممنون	گەلە مەمنوون، زۆر سپاس	زۆر سپاس
یاد می گیرم.	فێر(هین)دبم.	فێری دەبم.
شما به چه زبانی صحبت می کنید؟	تۆ ب چ زمانی خەبەر ددی(قسە دکی)؟	ئەتۆ ب چ زمانێک قسە دەکەی؟
می توانم صحبت کنم؟	دکارمخەبەر دم(قسە بکم)؟	دەتوانم قسە بەکەم؟
متوجه می شوم.	تێدگەهم، سەرئاخت دبم.	تێدە گەم.
ممکن است یکبار دیگر بگویید؟	دبە جارەکە دوژی (دیکەژی) بێژی؟	دەکرێ جارێکی دیکەش بێلیەوە؟
لهجه های کردی زیاد هستند.	لەهجێ کوردی زعفن(زۆرن).	زارەوەکانی کوردی زۆرن.
شما کدام لهجه کردی را می دانید؟	تو کیژان لەهجا کوردی دزانی؟	ئەتۆ کام زاراوەی کوردی دەزانی؟
من لهجه سورانی هم میدانم.	ئەز لەجا سورانی ژی دزانم.	من لەهجەی‌سورانیش دەزانم.
این نوشته را بخوانید!	ئەڤێ نڤیسارێ بخوونە!	ئەو نوسراوەیە بخۆیننەوە!
می توانم بخوانم.	دکارم بخوونم.	دەتوانم بخووینم.
خیلی آسان است.	زۆر(گەلە)هێسانە.	زۆر ئاسانە.
ما فرهنگ داریم.	مە فەرهەنگ هەیە.	ئێمە فەرهەنگمان هەیە.
او انسان با فرهنگی است.	ئەو ئنسانەکی(مرۆڤەکی) با فەرهەنگە.	ئەوە مرۆفەکی با فەرهەنگە.
آنقدرها هم سخت نیست.	هقاسی(هند)ژی گران نینە.	ئەوەندەش گران نیە.
از او بپرس.	ژ ئەوی بپرسە!	لە ئەوەی(لەوی) بپرسە!
صحبت کن.	خەبەر دە، قسەکە، باخوڤە.	قسەبکە، بدوێ.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
فرهنگ آنها سنتی است	فەرهەنگا وانا ئەدیمی یە (یا بەریَ‌یە).	فـەرهـەنگـی ئـەوەنـا قەدیمی‌یە.
مـن در مهابـاد کـردی یـاد گرفته ام	ئـەز مـەهابـادێ دا کـوردی فێر بوومە.	ئەمن لە مەهابادی کوردی فێر بوومە.
کـردی را خـوب صـحبت می کنید	کـوردی بـاش خـەبـەر ددی (قسە دکی)	کوردی باش قسە دەکەی
چه خوب	چ باش	چ باش

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
کشورها، ملتها	**وەلاتان، ملەتان**	**وەڵاتەکان، گەلەکان**
ایران	ئیران	ئێران
عراق	ئێراق(ئەراق)	ئێراق(ئەراق)
آذربایجان	ئازەربایجان	ئازەربایجان
ترکیه	تورکیە	تورکیە
روسیه	ئوورس، ئوورسات	عووروسیات
تهران	تەهران	تاران
کردستان	کوردستان	کوردستان
اهل ایران	خەلکێ ئیرانێ	خەڵکی ئێران
آمریکایی	ئامریکایی	ئەمریکایی
ایرانی	ئیرانی	ئێرانی
هلند، هلندی	هۆلەند، هۆلەندی	هۆلەند، هۆلەندی
انگلیسی	ئنگلیسی	ئینگلیسی (ئینگلیزی)
ماکو، ماکوئی	ماکوو، ماکوویی	ماکوو، ماکووی
اهل کجایی؟	خەلکێ کوی (کیدەرێ یی)؟	خەڵکی کوێی؟
من اهل ایران هستم.	ئەز خەلکێ ئیرانێ مە.	ئەمن خەڵکی ئێرانێمە.
عراق کشوری مسلمان است.	ئێراق وەلاتەکی مۆسۆلمانە.	ئێراق وڵاتێکی مۆسۆڵمانە.
ترکیه با ایران همسایه است.	تورکیەجیرانێ (جینارێ) ئیرانێ یە.	تورکیە جیرانی ئێرانێ یە.
تهران پایتخت ایران است.	تەهران پایتەختا ئیرانێ یە.	تاران پەیتەختی ئێرانە.
کرد و ترک برادرند.	کورد ۆ تورک برانە.	کورد و تورک برانە.
ایران کشور آسیایی است.	ئیران وەلاتەکی ئاسیاییە.	ئێران وڵاتێکی ئاسیاییە.
تهران شهر بزرگی است.	تەهران شەهرەکی مەزنە.	تاران شارێکی گەورەیە.
ممالک زیادی در جنگ جهانی ویران گردید.	گەلە(زۆر)وەلات ل شەرێ جیهانێدا خراپ بوون.	زۆر وڵات ل شەڕی جیهانی دا خاپور کران.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
ژاپن در خاور دور واقـع شـده است.	ژاپون کەتیە رۆژهەلاتا دوور دا .	ژاپۆن کەوتوویە رۆژهەڵاتـی دوور.

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
سن	تەمەن، سند	تەمەن
چند سال دارید؟	تەمەنێ تە چەندە؟	تەمەنت چەندە؟
من بیست و پنج ساله ام.	ئەز بیست و پێنج سالی مە.	ئەمن بیست و پێنج ساڵمە.
زندگی زیباست!	ژییان رندە!	ژیان جوانە!
این مرد پیر است.	یەڤ مێرکا پیرە.	ئەو پیاوە پیرە.
سن او زیاد است.	تەمەنێ وی زورە.	تەمەنی ئەو زورە.
برادرم بیست ساله است.	برایێ م بیست سالی یە.	برام بیست ساڵی‌یە.
بچه ها در سن هفت سالگی به مدرسه می روند.	زاروک ل تەمەنێ هەفت سالیدا دچنە مەدرەسێ.	مناڵەکان لە تەمەنی حەفت ساڵیدا دەچنە مەدرەسە .
دایی ام خیلی جوان است	خالێ من گەلە (زۆر) جاحێلە	خاڵم زۆر جەحێلە.
این سن برای شما کم است.	ئەڤ تەمەناتەرا (بۆ تە) کێمە	ئەوتەمەنە بۆ تۆ کەمە.
شما ازدواج کرده اید؟	تۆ زەوجیی؟ تە ژن هانی‌یە؟	تۆ ژنت هێنایە؟
دختر کم سن و سال دارید؟	کچا (قیزا) تەیە بچووک هەیە؟	کچی چکۆڵەت هەیە؟
خدا حفظش کند.	خودێ خویی کە. خودێ بپارێزە.	خودا بپارێزی.
خاله مریم صد سال دارد.	عەمرێ خاتیا (خالەتا) مەریەم سەد سالە.	پوورە مەریەم سەت ساڵی عومرە.
کسانیکه زیاد در فکر پول هستند زود پیر می شوند.	ئەوانێک گەلەک فکرا پەرا (درافا) دانن زوو پیر دڤن.	ئەو کەسانەی زۆر دە فکری پارەدان زوو پیر دەبن.
آن مرد پدر احمد است، ریش سفید است.	ئەو مێرکا باوێ (بابێ) ئەحمەدە، ئەوا رووسپی‌یە (روین سپی‌یە)	ئەو پیاوە باوکی ئەحمەدە، ئەو ریشی سپی یە.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
برادرم شش ساله بود که در سفر بود.	برایێ من شەش سالی بوو کۆ ل سەفەرێ دابوو.	براکەم شەش ساڵ بوو دە سەفەر دابوو.
شما در چند سالگی به دانشگاه رفتید؟	تو چەند سالیدا چوویی زانستگەهێ؟	ئێوە لە چەن سالێ دا چووی بو دانیشگاه(زانکو)؟
من دو سال از تو بزرگترم.	ئەز دو سالا تە مەزن ترم.	من دوو ساڵ لە تو گەورەترم.
شما چند سال است اینجا هستید؟	هوون چەند سالە ڤێدەرێنە (ئێرەنە)؟	ئێوە چەند ساڵە لێرنە؟

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
پرسیدن آدرس	پرس کرنا ئادرێسێ	پرسیاری ئادریس
ببخشید	ببەخشە، ببۆرە	ببوورە، ببەخشە
هتل	هۆتێل، مێوانخانە	هۆتیل، مێوانخانە
غریب	خەریب	غەریب
آشنا	ئاشنا ، ناس کری	ئاشنا
دور	دوور	دوور
نزدیک	نێزیک	نزیک
این طرف	ئەڤ ئالیا، ڤی ئالی	ئەم بەر، ئەم لا
آن طرف	ئالیێ هانێ، ئەو ئالی	ئەوبەر، ئەولا
راست ، مستقیم	راست	راست
چپ	چەپ	چەپ
کجا	کیدەر، کودا، کو	کوێ
پیاده	پەیاتی، ب پی یا	بەپێ، پەیادە
دست راست	دەستێ راستێ	دەستی راست
خیابان اول	خیابانا ئەوول	خیابانی (شەقامی) یەکەم
بپیچ	بپێچە، ڤەگەرە	بپێچەوە
برگرد!	ڤەگەرە ، بزڤرە!	بگەڕێوە!
کمک	کومەک ، ئالیکاری	یارمەتی ، کومەک
زیاد	گەلەک ، زۆر	زۆر
می‌خواهی؟	دخازی؟	دەتەوێ؟
می‌خواهم.	دخازم.	دەمەوێ.
می‌توانی کمکم کنی؟	دکاری کومەگا من بکی؟	دەتوانی یارمەتیم بدەی؟
بفرمائید در خدمت باشیم.	کەرەم کە خزمەتا وەدابن	فەرموو لە خزمەتان دا بین.
می‌خواهم به هتل بروم.	دخازم هەرمە (بچمە هوتێلێ.	دەمەوێ بچمە (بڕومە هوتێل.

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
لێرەوە زۆر دوور نیە.	لێرە را زۆر دوور نینە.	از اینجا زیاد دور نیست .
زەحمەت نەبێ ، نیشانم بدە.	زەحمەت نەبە(نەبیت) نیشا م بدە.	زحمت نباشد نشانم بدهید.
هەر لەم نزیکانەیە.	ل ڤان نێزکایە(نێزیکانایە).	همین نزدیکیهاست.
دەتوانی بە پێ یان بچی.	دکاری پەیاتی ژی بچی (هەری).	می‌توانی پیاده هم بروی.
سپاس ، بۆ کام لا بڕۆم؟	سپاس ، بۆ کیژان ئالی هەرم (بچم)؟	سپاس ، به کدام طرف بروم؟
راست بڕۆ پێش، خیاوانی دۆوم دەستی چەپ	راست هەرە پێشی، خیابانا دودویا دەستێ چەپێ	مستقیم برو جلو، دومین خیابان دست چپ
تابلۆی هەیە؟	تابلو هەیە؟	تابلو دارد؟
بەڵێ هەیە.	بەلێ هەیە.	بله دارد.
بەتاکسی برۆ (بچۆ).	بێ تاکسی بێ هەرە.	با تاکسی برو.
من خەڵکی ئێرە نیم.	ئەز خەلکی ئێرە نینم.	من اهل اینجا نیستم.
هەر ئەو رێیە بگرن.	هەر ڤێ رێ یێ بگرن(ئیدامە بدن).	همین راه را ادامه بدهید.
هێندەژی دوور نیە.	ئساژی (هند) دوور نینە.	چندان هم دور نیست .
زەحمەتت کێشا.	تە زەحمەت کێشا(کشاند).	زحمت کشیدید.
دە چی بۆ بازار؟	دچی بازارێ ؟	به بازار می‌روی؟
مەدرەسەی ئێوە لە کوێیە؟	مەدرەسا وە کێدەرێ یە؟	مدرسه شما کجاست؟
بپرسە پێت دەڵێن.	بپرسە دێ بێژنە تە.	بپرسید خواهند گفت.
سپاست دەکەم ، ناسیم.	سپاسێ دکم ، م ناس کر.	متشکرم شناختم.
بگەڕێوە!	تۆ ڤەگەرە!	شما برگردید!
خودا حافیز، ماڵ ئاوا	خودا حافز ،خاترێ تە	خداحافظ
سەرکەوتوو بی.	سەرکەفی،موەفەق بی.	موفق باشید.

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
آب و هوا	ئاڤ ژ هەوا	ئاووهەوا (کەش)
سرد	سار	سارد
گرم	گەرم	گەرم
خنک	هێنک	فێنک
توفانی	باهۆز ، باکرۆفە	تۆفانی، کرێوە
رطوبی	نەمدار ، رتووبی ، شەهـ	شەدار ، نەمدار
باران ، بارانی	باران ، بارانی	باران ، بارانی
برف ، برفی	بەفر ، بەرفی	بەفر ، بەفری
تگرگ	تەیرۆک ، تەرگ	تەرزە
باد سرد	بایێ سار	بای سارد
آسمان	عەسمان	ئاسمان
خورشید	رۆژ ، تاڤ	خۆر
ماه	هیڤ ، مەهـ	مانگ
مهتاب	هەیڤەشەڤ ، تاڤەهیو	مانگەشەو
روشنایی	روونایی ، رووناهی	رووناکایی ، رۆناکی
روشن	گەش ، ڤەکری	رووناک ، رەوشەن
تاریک ، تاریکی	تاری ، تاریکایێ	تاریک ، تاریکی
رعد و برق	داوی ، برووسک	بریسکە
ابر، ابری	عەور ، عەوری	هەور ، هەوری
سیلاب	لێوی ، لەهی ، لێمشت	سێلاب ، سێڵاو
گردباد	بابەلیسک ، بێبرووسک	کێژەڵووکە
رنگین کمان	کەسک و سور، بووکا بارانێ	کۆڵکە زێڕینە
مه	مژ	مژ

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
نمدار	نەم دار	نمدار
هەوای ڕاوەستاو	هەوایێ گرتی	هوای گرفته
وشکەساڵ	حشک سالی	خشک سال
وشکی	حشکی	خشکی
ئاوی	ئاڤی	آبی
ئەوڕۆ هەوا ساردە.	ئیرۆ هەوا سارە.	امروز هوا سرد است.
سەرماتە؟	تە سارە ، تۆ دجەمدی؟	سردتان است؟
گەرم نیە.	گەرم نینە.	گرم نیست.
هەوا چۆنە؟	هەوا چانە؟	هوا چطور است؟
هەوا خۆشە.	هەوا خاشە (خۆشە).	هوا خوب است.
هەوا گەرمە.	هەوا گەرمە.	هوا گرم است .
هەوا ساردە.	هەوا سارە.	هوا سرد است .
بەڵێ ، هەوا بارانی یە.	بەلێ ، هەوا بارانی یە.	بلی ، هوا بارانی است.
بەفر دەبارێ.	بەفر دبارە.	برف می‌بارد.
سێڵاوە هەستاوە.	لێمشت (لیڤی) هاتی یە.	سیل جاری شده.
هەور دە گرمێنێ.	عەور دکە گوڕەگوڕ.	ابر می‌غرد.
برووسکان لێ دەدا.	برووسکێ لێددە.	برق می‌زند.
شەو تاریکە .	شەڤ تاری یە.	شب تاریک است.
ئاسمان ساماڵە.	عەسمان سایی یە ، سافە.	آسمان صاف است.
مالی ئەوەی ساردە.	مالا وی سارە.	خانه او سرد است.
لە هاوینی هەوا گەرم دەبیت.	ل هاڤێنێ هەوا گەرم دبە (دبیت).	در تابستان هوا گرم می‌شود.
چەند هوای خۆشە!	چ هەواکە خاشە!	چه هوای خوبی!
هەموو جێ تەرە.	هەموو جی تەرە ، شلە.	همه جا خیس است.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
چونکه باران زیاد باریده است.	چمکی (چونکو)نختە گەلەک باری یە.	چونکه باران زۆر باریوه.
هم برف می‌بارد، هم هوا سرد است.	هم بەفر دباره ، هم ژی هەوا ساره.	هەم بەفر دەباریّ ، هەم هەوا سارده.
اگر امروز باران ببارد، در خانه می‌مانم.	ئەگەر ئیرۆ باران بباره ، مالدا دمینم.	ئەگەر ئەم رۆ باران بباریّ ، لە ماڵ دەمێنمەوە.
امسال باران نبارید.	ئیسال باران نەباری.	ئەمساڵ باران نەباری.
هوای جنوب کشور ایران خیلی گرم است	هەوا باشوورا ئیرانێ گەلەکی گەرمە.	هەوای باشووری ئێران زۆر گەرمە.
یک لیوان آب سرد برایم بیاور!	لیوانەک (ئاف خۆرەک) ئاوا سار مرا بینە (بۆ من بینە !	لیوانێک ئاوی سارد بۆم بێنە!
من گرم شدم.	ئەز گەرم بووم.	من گەرم بووم.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
مسجد	مزگەفت ، مزگەفت	مزگەوت ، مزگەت
ملا	مەلا، مەلە	مەلا
استاد، مدرس	مامۆستا، سەیدا	مامۆستا
طلبه	فەقێ	فەقێ
ستون	ئستوون	ستوون، کۆلەکە
طاق	تاق	تاق
گنبد	گومبەد (کومبەز)	گومبەد، گومبەز
بانک، اذان	بانگ	بانگ
تاریخی	دیرۆکی، قەدیمی، مێژوویی	مێژوویی
بانک دادن	بانگ دان	بانگ دان
محراب	مێحراب	میحراب
مناره	منارە	منارە
حوض	حەوز، گۆل	حەوز
نماز	نمێژ، نوێژ	نوێژ
وضو گرفتن	دەست نمێژ گرتن	دەست نوێژ گرتن
نماز قضا خواندن	نمێژا قەزا کرن	نوێژ گێڕانەوە
عمامه	شاشک، شەمل	عمامە
دین، مذهب	ئۆل، ئایین	دین، ئایین
پیغمبر	پێغەمبەر	پێغەمبەر
قبله	رووگە، قبلە	قەبلە، رووگە
نماز صبح	نوێژا، نمێژا سۆبێ (سپێدێ)	نوێژی سبەینێ، بەربەیانی
نماز ظهر	نمێژا نیڤرۆ	نوێژی نیوەڕۆ
نماز عصر	نمێژا ئێڤارێ (عەسرێ)	نوێژی ئێوارێ
نماز مغرب	نمێژا مەغرەبێ	نوێژی مەغرەبێ
نماز عشاء	نمێژا عەشایێ (سەرشیڤا)	نوێژی شێوان

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
نماز شب	نمێژا رازانێ	نوێژی خەوتنان
نماز جماعت	نوێژا جماعەتێ	نوێژی جەماعەت
نماز جمعه	نمێژا ئینێ (ئەینی)	نوێژی جۆمعە (هەینی)
نماز عید	نمێژا عەیدێ	نوێژی عەیدێ، جەژنێ
مسجد خانه خداست.	مزگەفت مالا خودێ یە.	مزگەوت مالی خۆدایە.
مسجد جای نماز است.	مزگەفت جیێ نمێژێ یە.	مزگەوت جێگەی نوێژە.
هر مسجدی ملا دارد.	هەر مزگەفتەکێ مەلا هەیە.	هەر مزگەوتێک مەلای هەیە
ملای مسجد استاد است.	مەلایێ مزگەفتێ مامۆستایە	مەلای مزگەوت مامۆستایە.
مسلمانان روزانه پنج بار در مسجد نماز می‌خوانند.	موسەڵمان ڕۆژێ پێنج جارا مزگەفتێ دا نمێژێ دکن.	مسوڵمانان ڕۆژانە پێنج جار لە مزگەوتێدا نوێژی دەکەن.
مسجد این شهر کجاست؟	مزگەفتا وی شاری (شەهری) کوی یە؟	مزگەوتی ئەم شارە لە کوێیە؟
نماز بر همه مسلمانان واجب شده است.	نمێژ ل سەر هەموو موسۆڵمانا واجب بوویە.	نوێژ لە سەر تەواوی مسوڵمانان واجب بوویە.
مسجد شهر ما تاریخی است.	مزگەفتا شەهرێ مە قەدیمی یە.	مزگەوتی شاری ئێمە قەدیمی یە.
خادم هر مسجد از مسجد نگهداری و نظافت می‌کند.	مجێورێ هەر مزگەفتێ موقاتی مزگەفتێ دبە و تەمیز دکە.	مجێوری هەر مزگەوتێ ئاگاداری لە مزگەوت دەکا و پاک و و خاوینی دەکا.
دین ما دین اسلام است.	دینێ مە، دینێ ئسلامیێیە.	دینی ئێمە، دینی ئیسلامە.
شیعه و سنی برادرند.	شیعە و سوننی برانە.	شیعە و سوننی برانە.
تو روزه‌ای؟	تو ڕۆژیی؟	ئەتو بە ڕۆژی؟
حضرت محمد ﷺ آخرین پیغمبر خداست.	حەزرەتێ موحەمەدﷺ ئاخرین پێغەمبەرێ خودێ یە.	حەزرەتێ موحەمەدﷺدوایین پێغەمبەری خودایە.

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
له رێستووران	رێستوورانێ دا	در رستوران
شت	تشت	چیز
هەڵبەت	هەلبەت	البته
نەهار	ناف ڕۆژ، فراڤین	نهار
بەرچایی	تاشتێ، تێشت	صبحانه
شام، شێو	شیڤ	شام
شیش	شیش	سیخ
چا	چا	چایی
ئەم جێگایە خاڵی یە،چۆلە.	ئەڤ جییا خاڵی یە(بەتالە)	این جا خالی است.
پێم خۆشە.	حەز دکم.	مایلم ، دوست دارم.
زۆر برسیمە.	گەلەک برچیمە (برسیمە).	خیلی گرسنه هستم.
خوراک هەڵبژێرە.	خۆرەک(رسق) بیژێرە	غذا انتخاب کنید.
فەرموو دانیشە.	کەرەمکە روونێ.	بفرمایید بنشینید.
زۆر باش.	زۆر باش.	بسیار خوب.
ئەوە (ئەمە) تازەیە؟	ئەڤا تەزمیە (تازمیە)؟	این تازه است؟
لەوەم دمیە، لەئەوەی بیدە!	ژ ئەڤێ بدە!	از این بدهید!
لیوانیش بێنە.	ئاڤ خۆرێ(لیوانێ) ژی بینە.	لیوان هم بیاورید.
زۆر کوڵاوە.	گەلەکێ کەڵیایە.	خیلی پخته است.
چایەکی بۆم بێنە.	چایەکێ مرا (بۆ م) بینە.	یک چایی برایم بیاورید.
ساردە	سارە	سرد است .
مێزەکە خاوێن کەوە.	مس، ماسە تەمیز کە.	میز را پاک کنید.
سووتاوە.	شەڤتی‌یە، سۆتی یە.	سوخته است.

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
بفرمایید قربان نهار حاضر است.	کەرەمکە قوربان ناوڕۆژ حازرە.	فەرموو قوربان نەهار حازرە.
چه دارید؟	وە چ هەیە؟	چتان هەیە؟
هر چه بخواهی .	هەر چ بخازی.	هەرچی بتەوێ.
خیلی ممنون.	زۆر سپاس.	زۆر سپاس.
یک سیخ کباب بیاورید.	شیشیەک کەباب بینە.	شیشێک کەباب بێنە.
چند می‌شود؟	چەند دبە (دبیت)، چەند دکە؟	دەکاتە چەند؟
مهمان باشید.	میڤان بن(بە).	مێوان بە.
باز هم تشریف بیاورید.	دیسازی تەشریفێ بینە.	دیسانیش تەشریف بێنەوە.
حتماً	حەتمەن	حەتمەن
ببخشید هتل کجاست؟	ببورە، ببەخشە میڤانخانە کێدەرێ یە؟	ببەخشە، ببۆرە میوانخانە لە کوێ یە؟
خداحافظ	خاترێ تە، وە خودا حافظ	خوداحافیز
در آن طرف خیابان	ل وێ ئالی (ئالیێ) خیابانێ	لەو بەری خیابان(شەقام)
سلام اتاق خالی دارید؟	سەلام وە تۆدا بەتال هەیە؟	سڵاو، وەتاغی خاڵیت هەئە؟
برای امشب	ئیشەڤ ڕا، بۆئیشەڤ	بۆ ئەو شەو
بهترین	باشترین	باشترین
به چشم	سەر چاڤا	بەچاوان، سەر چاو
نامتان چیست؟	ناڤێ تە چی یە؟	نێوت چیە؟
اسم من ... است.	ناوێ م ... ە.	نێوی من ... ە.
قیمت روزانه شما چقدر است؟	کریا (قیمەتا) رۆژا وە چقاسە(چەندە)؟	کرێی رۆژانەتان چەندە؟

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
ئەمن وەتاغی بە حەمامەوە دەمەوێ!	ئەز ئوودێ ب حەمامێ وە دخازم!	من اتاق با حمام می‌خواهم!
یەک نەفەرە، دوو نەفەرە؟	یەک نەفەری، دو نەفەری؟	یک نفره، دو نفره؟
ببوورە ، چەندە لێرە دەمێننەوە؟	ببەخشە چ قاسی ڤێدەرێ (ئێرە) دمینن؟	ببخشید چقدر اینجا می‌مانید؟
سێ ڕۆژ	سێ روژ	سه روز
تەلەفوون لەکوێ یە؟	تەلەفوون کوێ یە (کیدەرێ یە)؟	تلفن کجاست؟
ئاسانسۆرم پێ نیشان دە؟	ئاسانسۆرێ مرە نیشان دە(نیشا م بدە)	آسانسور را به من نشان دهید!
وەتاغێکی باشترم بدەیە.	ئودەکە باشتر بدنە من.	اتاق بهتری به من بدهید!

فارسى	بادينى(كرمانجى شمالى)	سورانى(مهابادى)
مشغوليت كار	مژووليا شولێ (شوغل)	خەریکایەتی کار
رهبر	رێبەر، سەرۆک	رێبەر
وزير	وەزیر	وەزیر
نخست وزير	سەرۆک وەزیر	سەرۆک وەزیر
معلم	مامۆستا، موعەللیم	مامۆستا، موعەللیم
بنا	بەننا، هۆستا	بەننا
بازرگان	تاجر، تۆجار	تاجر
بقال	بەقال	بەقال
بانكدار	بانگدار	بانگدار
باربر	باربر، حەمبال	باربەر، عەمباڵ
دكتر	دوکتور	دوکتور
باغبان	رەزڤان، باخەڤان	باغەوان
پرستار	پەرەستار	پەرەستار
خياط	تەرزی	خەیات
پستچى	پوستچی	پوستچی
خواننده	ئستران بێژ، هۆزان، دەنگ بێژ	گورانی بێژ
محصل، شاگرد	شاگرد، قوتابی	قوتابی، شاگرد
راننده	شۆفر، هاژۆڤان	لێخۆڕ، شوفێر
رقاص	رەقاس، لیستی، گوڤەندکەر	سەماکەر
سلمانى	سەلمانی، سەرتراش، دەلاک	سەرتاش خانە، سەلمانی
سرباز	سەرباز، عەسکەر	سەرباز
كشاورز	جۆتیار، وەرزگار، چاندکار	وەرزێر، جووتیار

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
ماسی گر	ماسی گر	ماهی‌گیر
کارمەند	کارمەند	کارمند
نووسەر	نڤیسەر، نڤیسکار	نویسنده
پەخشکەر	وەشان کر، بەلاکر	ناشر
سەرۆکی مەجلیس	سەرۆکێ مەجلسێ	رئیس مجلس
پولیس	پولیس	پلیس
ئاسن گەر	هەسن گر، ئاسن کوت	آهنگر
گوڵ فرۆش	گول فرۆش	گلفروش
ئاشپەز	ئاشپێژ، ئاشپەز	آشپز
دارتاش	دارتراش، نەجار	نجار
وێنە کێش	شکل کێش، نگار کێش	نقاش
نانەوا	نان پێژ، نانوا	نانوا
کێشکچی، نۆبەدار	کێشکچی، نۆبەدار	نگهبان
هونەرپیشە	هونەرپێشە	هنرپیشه
کتێب فروش	کتێب فرۆش	کتابفروش
کڕیار	کڕیار، بکر	خریدار
حیسابدار، ژمێریار	حیسابدار، ژمێریار	حسابدار
تۆ چ کارەیی؟	تۆ چ کارەیی؟	تو چه کاره‌ای؟
من دانشجووم، خوێندکارم.	ئەز خاندەڤانم (دانش جوومە).	من دانشجو هستم.
برام مامۆستایە.	براییێ من مامۆستایە.	برادرم استاد است.
ئەوە جووتیارە.	ئەو جۆتکارە.	او کشاورز است.
حوسەین گورانی بێژە.	حوسەین دەنگ بێژە (هۆزانە).	حسین خواننده است.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
شیخ احمد خانی شاعر بزرگی بود.	شێخ ئەحمەدی خانی شاعیرەک مەزن بوو.	شێخ ئەحمەدی خانی شاعیرێکی گەورە بوو.
آقای حسینی ناشر است.	ئاغایێ حۆسەینی ناشرە.	ئاغایی حوسێنی ناشرە.

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
دیدنیها	**جییێ دیتنێ**	**جێیە دڵڕفێنەکان**
کاخ	کاخ، کۆشکە	کۆشک
پارک	پارک	پارک
موزه	ئەنتیقەخانە	مووزە خانە
باغ وحش	باغێ وەحش (هۆڤان)	باغی وەحش
دریا	بەحر	دەریا
جنگل	جەنگەل، دارستان	جەنگەل، دارستان
دشت و کوه	دەشت (بەست) و چییا	دەشت و کێو(چیا)
یک برنامه خوب	بەرنامەکە باش	بەرنامەیێک باش
چگونه می‌توانم آن راه را پیدا کنم؟	چان دکارم (چاوان دشێم)وێ رێیێ پەیداکم؟	چوون دەتوانم ئەو رێگایە پەیدا کەم؟
با نقشه می‌توانی.	بێ نەقشێ دکاری.	بە نەقشەی دەتوانی.
رایگان است؟	خۆڕایی یە، بە لاشە، مفتەیە.	بە خوڕایی یە .
می‌توانم عکس‌برداری کنم؟	دکارم عەکسا (شکلا)بگرم.	دەتوانم عەکسی (وێنە) هەلگرم.
بیش از حد زیباست.	بێ ئەندازە بەدەوە (رندە).	لەرادە بەدەر جوانە.
چه کسی این را کشیده است؟	کێ ئەڤا کێشاندی یە؟	کێ ئەوەی کێشاوەتەوە؟
چقدر وقت هست؟	چقاس وەخت هەیە؟	چەندی وەختی هەیە؟
خیلی مانده؟	زۆر (گەلەک) مایە؟	زۆر ماوە؟
برای امروز وقت هست؟	ئیرۆڕا (بۆ ئیرو) وەخت هەیە؟	بۆ ئەمڕۆ وەختی هەیە؟

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
چه وقت تمام می‌شود؟	چ ئاختی(کەنگی) رەت (خلاس) دبە(دبیت)؟	کەی تەواو دەبی؟
فردا صبح	سبێ زوو	سبحەینی بەیانی، بەربەیانی
برنامه کی شروع می‌شود؟	بەرنامە کەنگێ دەست پێدکە؟	بەرنامە کەی دەس پێدەکا؟
روز سه‌شنبه	رۆژا سێ شەمبێ	رۆژی سێ شەممە
کوههای ماکو بلند و زیباهستند.	چیایێ ماکوویێ بلند و رندن(جوانن).	چیبا (شاخەکانی) ماکوو بەرزو جوانن.
این چند ساله است؟	ئەڤا چەند سالی یە؟	ئەوە چەن ساڵە یە؟
تمام شد	رەد (خەلاس) بوو.	تەواو بوو.
چه کسی این ساختمان را درست کرده است؟	کێ ئەڤ خانی یا چێکری یە؟	کێ ئەو خانووەی دروست کردوە؟
بازار کجاست؟	بازار کێدەرێ یە؟	بازار لە کوێ یە؟
آثار باستانی	شوینەوارێ کەڤن	شوێنەواری کۆن
پس فردا می‌روم.	دۆسبە دچم.	دوسبەینی دەچم(دەرۆم).
امیدوارم به شما خوش گذشته باشد.	هڤیدارم تەرا خاش دەرباس بوویە.	هیوادارم بۆ تو باش را بهووری بێ.

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
رفت و آمد	چووئین و هاتن	رویشتن و هاتن
مستقیم	راست، دووز	راست
خم، انحنا	خار ، خاراتی	خوارایی
ممنوع	قەدەغەن	قەدەغە
آزاد	ڕزگار، بەرەدایی	ئازاد، ڕزگار
ورود	چوونە ژور	چوونە ژوور
خروج	چوونە دەرێ، دەرکەتن	چوونە دەر
راه	رێ	رێگا
باز	ڤەکری، کریەوە	ئاوالە
بسته	گرتی، داخستی	داخراو
ایست	بسەکنە، راوەستە	راوەستە
پر	تژی، تژوو	پڕ
خالی	ڤالا، بەتاڵ، خالوو	بەتاڵ، خاڵی
برو ،نرو	هەرە (بچە)، نەچە	برۆ (بچو)، مەرۆ
بیا، نیا	وارە (وەرە) نەیێ	وەرە، مەیێ
حرکت کردن	حەرەکەت کرن، رێی کەتن	رویشتن
عجله کن!	لەزێ بکە!	پەلەبکە!
مواظب باش!	موقات بە، هشار بە!	ئاگات لێ بێ!
کجا	کوێ، کێدەرێ	کوێ
ایستگاه	ئیزگا، جیێ سەکناندنێ	ئیزگا
راه باریک می‌شود.	رێ کێم بەر (تەنگ) دبە (دبیت).	رێگا باریک دەبێ (دەبێتەوە)
از سرعت خود بکاهید.	ژ سورعەتا خو کێم کن.	لە سورعەتی خۆت کەم کەوە.
گردنه	ملێ، گەردنە، گەدووک	ملە، گەردەنە

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
تغییر مسیر	ریَ گۆڕین	ریَ گۆڕین
یک طرفه	یەک تەرەفە، یەک ئالی	یەک تەرەفە، یەک لا
گردش به راست	ڤەگەرین بۆ راست (راستیَ را)	بادانەوە بۆ راست
پل	پرە، پر	پرد
دور زدن ممنوع است.	دور لێدان قەدەغەنە.	بادانەوە قەدەغەیە.
زود باشید!	زوو بن، زوو بکن!	زووبن
می‌خواهم به ماکو بروم.	دخـازم هـەرمـە(بچمـە) ماکوییَ.	دەمەوێ بچمە ماکوو.
احتیاط کن!	ئیحتیات کە!	ئیحتیات بکە!
بروید کنار!	هـەرنـە (هـەرن ، بچـن) کێلەکیَ (قراغیَ)!	برۆ قەراغی!
دور شو!	دوور بە، دوور کەڤە!	دوور بە، وەدوور کەوە!
چی شده است؟	چ قەیمیە، چ بوویە؟	چ بوو؟
نرسیدم.	نەگهێشتمە.	نەگەیشتمە.
خیلی دیرم شد.	گـەلـەکـی مـرا دەرەنـگ بوویە.	زۆر وە درەنگ کەوتم.
این نیست.	ئەڤا (ئەڤە)نینە.	ئەوە نیە.
هم اکنون	ئا نها، هەنهە، نکاژی	هەر ئێستا
رفت و برگشت است.	چوویین و ڤەگەڕینە.	چوون و گەڕانەوەیە.
خودم می‌روم.	ئـەزیَ بخـۆ بچم، ئـەز خـوە دچم.	بۆ خۆم دەچم (دەڕۆم).
می‌خواهم بنشینم.	دخازم روونێم.	دەمەویَ دانیشم.
کارت شناسایی	کارتا پیَ ناس کرن	پێناسە، کارتی پیَ ناسین
خارج شوید!	دەر کـەڤـن، هـەرنـە دەرڤـا (دەریَ)!	بچنە(برۆنە)دەریَ!

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
بر می‌گردم	ئەز ڤەدگەڕم، ئەزدزڤڕم.	دەگەڕێمەوە.
مسافر بر	موسافر کێش	موسافیر کێش
دو جا لازم دارم.	م دو جی لازمن.	دوو جێم لازمە.
جا دارید؟	جی بێ وە هەیە؟	جێتان هەیە؟
درست شد.	چێ بوو.	دروست بوو.
یک ساعت زودتر آمده.	ئەزسعەتەکی زوو هاتمە.	ساعەتەکی زووها توومە.
پرواز کرد.	فڕی، پردا.	هەلفڕی.
کسی جانماند.	کەسەک جی دا نەمینە.	کەس بە جێ نەمێنێ.
سیگار نکشید!	جغارێ (جگارێ) نەکێشن!	سیغار قەدەغەیە (مەکێشن)!
اهل کجائید؟	خەلکێ کێدەرێ یی؟	خەلکی کوێی؟
آدرس دائم	ئادرێسا(ناڤ نیشانا) دایمی	نێو نیشانی هەمیشەیی
مدت اقامت	دەما مانێ	ماوەی مانەوە
درب خروج	دەرێ دەرکەتنێ	دەرکی چوونە دەرەوە
زود برمی‌گردم.	زوو ڤەدگەڕم.	زوو دەگەڕیمەوە.
پاسپورت لازم است؟	پاسپۆرت لازمە؟	پاساپۆرت پێویستە؟

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
مزرعه و زمین	**زەوی و عەرد**	**زەوی و مەزرا**
مزرعه	زەوی	مەزرا
باغ	باغ	باغ
حاصل	حاسڵ	حاسڵ
ده	گوند، ئاڤاہی	گوند، دێ
آب	ئاڤ	ئاو
خرمن	خەرمان، جۆخین	خەرمان
بیابان	بیابان، چۆل	بیاوان
شخم زدن	جۆت کرن،کێلان	جووت کرن،کێلان
حیوان	حەیوان، مالات	حەیوان
میوه	مێوە، ئێمیش	میوه
عمل آوردن	عەمەل هانین	ده عەمەل هێنان
آب دادن	ئاڤدان	ئاودان
کاشتن	چاندن	چاندن
درو کردن	دروون	دروونەوە
فصل سرما	دانێ، وەرزێ سەرمێ	وەرزی سەرما
رودخانه	چەم	چۆم
دیم	دێم	دێم
من کشاورزم.	ئەز جۆتکارم، وەرزگارم.	من وەرزێرم.
شما امسال گندم کاشته‌اید؟	تە ئیسال گەنم چاندی یە ؟	تۆئەمساڵ گەنمت‌چاندی یە؟
نه من جو کاشته‌ام.	نا(نە) من جەه چاندی یە.	نە ،ئەمن جۆم چاندی یە.
آیا باغ هم دارید؟	وە باغ ژی هەیە؟	باغیشتان هەیە؟
علی باغبان است.	عەلی باغڤانە.	عەلی باغەوانە.

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
این مزرعه آبی است	ئەڤ زەویا ئاڤی یە.	ئەم مەزرا ئاوی یە.
دیم محصول خوبی نمی‌دهد.	دێم حاسڵەکە باش نادە.	دێم حاسڵێ باشی نابی.
در این عصر کشاورزی مکانیزه شده است.	ل ڤێ دەمێ دا (زەمانی) چاندن مێکانیزە بوویە.	لەم سەردەمەدا کشت و کاڵ بۆتە مێکانیزە.
باغ احمد در دره است.	باغێ ئاغا ئەحمەد ل گۆند دایە.	باغی کاک ئەحمەد لە گوندە.
او در خرمن کار می‌کند.	ئەو ل خەرمانێ (جۆخینێ) دا دخەبتە.	ئەو لە خەرمانی دا کار دەکا.
احمد با تراکتور زمین را شخم می‌زند.	ئەحمەد ب تراکتۆرێ عەردێ دکێلە.	ئەحمەد بە تەراکتۆر زەوی دەکێڵێ.
بیابان حاصل خوبی ندارد.	چۆلێ حاسڵەکە باش چنینە.	بیاوان حاسڵەکی باشی نیە.
احمد برای آبیاری مزرعه از آب رودخانه استفاده می‌کند.	ئەحمەد بۆ ئاڤدانا زەویێ ژ ئاڤا چم ئیستفادە دکە.	ئەحمەد بو ئاودانی مەزرا لە ئاوی چۆم ئیستفادەی دەکا.
کسی با خیال بافی صاحب خانه نمی‌شود.	کەس ب خیاڵ نابێ خایی ماڵ.	کەس بە خەیاڵ نابێ بەماڵ.
مزرعه او در آن دشت است.	زەویا وی (وی نی) ل وی دەشتێ (بەستێ) دایە.	مەزرایی ئەوە لەو دەشتی دایە.
این درخت را من کاشته‌ام.	ئەڤ دارا م چاندی یە.	ئەم دارە من ناشتومە.
امسال باران نبارید.	ئیساڵ باران نەباری.	ئەم ساڵ باران نەباری.
تابستان فصل محصول است.	هاڤین دانێ (ئاختێ) حاسڵێ یە.	هاوین وەرزەی حاسلە.
زندگی با کار کردن معنی می‌دهد.	ژیان پێ خەباتێ مەعنی ددە.	ژیان بە کار کارنێ مەعنی دەدا.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
عروسی	**داوەت ، دەعوات**	**زەماوەند**
عروس	بووک	بووک
داماد	زاڤا	زاوا
شادی	شایی	شایی
رقصیدن	گۆڤەند، هلپڕین	هەڵپەڕین
نامزد	دەرگیستی، دەزگرتی	دەزگیران
به خواستگار فرستادن	خازگنی شاندن	ناردنە سەرکچ،بۆ خوازێنی ناردن
حنابندان	حنەبەندان	خەنەبەندان
رسم و عادت	دەب و رەسم	داب و نەریت
شوهر کردن	مێرکرن	مێرکردن، شووکردن
کارت عروسی	کارتا دەعواتێ (دەهاتێ)	کارتی زەماوەند
دوست داشتن	حەز کرن ، حەژ کرن	خوش ویستن
با هم	تەڤ	پێکەو
نشان کردن	نیشان کرن	نیشان کردن
پخش کردن	بەلا کرن	دەبەشن، بلاو کردن
ازدواج	زمواج	ژن هێنان، زمواج
زن گرفتن رسم بزرگی است.	ژن هانین رەسمە کە (دەبەکە) مەزنە.	ژن هێنان ڕەسمێکی گەورەیە.
اسلام به زن گرفتن زیاد اهمیت می‌دهد.	ئیسلام زەعف (زۆر) ئەهمیەتێ ب ژن هانینێ ددە.	ئیسلام زۆری گرنگی بە ژن هێنان دەدا.
قبل از ازدواج عروس و داماد باید یکدیگر را دوست داشته باشند.	پێش زمواجێ دا بووک و زاڤا گەرەکی هەڤ حەز کن.	لە پێش ئیزدواجێ بووک ۆ زاوا دەبێ پێکەوە حەز بکەن.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
عروسی شما کی شروع می‌شود؟	دهاتا (داوەتا) تە کەنگێ دەست پێ دکە؟	زەماوەندی ئەتۆ کەنگێ دەس پێ دەکا؟
برای من کارت عروسی آمده است.	مرا کارتا دەعواتێ هاتی یە.	بۆ من کارتی زەماوەندی هاتوویە.
با هم تشریف بیاورید!	گەل ێیک (هەڤرا) وارن!	پێکەوە وەرن!
اسم نامزدتان چیست؟	ناڤێ دەزگرتی (دەرگیستێ) تە چییە؟	نێوی دەزگیرانی تۆ چییە؟
پدر و مادر به خواستگاری می‌روند.	باڤ (باب) و داییک دچنە خازگنی.	باوک و دایک دەچنە خوازێنی.
قبل از ازدواج کردن عروس را نکاح می‌کنند.	پێش ئینانی (ئانینێ) بووکێ مەعر دکن.	پێش هینانەوە بووک مارە دەکن.
چه کسی کارت‌ها را پخش می‌کند؟	کێ کرتا بەڵا دکە؟	کێ کارتەکان دەبەشێنێ؟
امشب مراسم حنابندان است.	ئیشەڤ مەراسما خەنێ یە.	ئەم شۆ مەراسمی خەنەبەندانە.
عروسی برادر بزرگم است.	دەعواتا (داوەتا) برایێ منێ مەزنە.	زەماوەندی برای گەورەمە.
امیدوارم زندگیتان شیرین‌تر شود.	هیڤیدارم ژیانا وە شیرینتر بە.	بە هیوام ژیانتان شیرینتر بێ.
به پای هم پیر شوید.	پێکڤە(ب هەڤرا)پیر بن.	پێکەوە پیر بن.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
در بانک	بانگێدا	لە بانک
صندوق	سەندووق، ساندق	سندووق
صندوقدار	سەندووق دار	سندووق دار
بانک باز است	بانگ وەکری یە.	بانک ئاوالەیە.
بانک بسته است.	بانگ گرتی یە.	بانک داخراوە.
چک مسافرتی	چەکا مۆسافرەتی	چەکی سەفەرێ
دلار چند است؟	دۆلار چەندێ یە؟	دۆلار بە چەندە؟
بانک کجاست؟	بانک کۆیە، کیدەرێ یە؟	بانک لە کوێ یە؟
پول ایرانی	پەرێ (پارێ، دراڤێ) ئیرانی	پارەی ئێرانی
پول خارجی	پارێ خارجی	پارەی خارجی
پرداخت	دائین	پێدان(وێدان)
دریافت	ئستاندن، ڤەرگرتن	وەرگرتن
امانت	عمانەت (ئامانەت)	ڕاسپاردراو
اول این خیابان	ئەوەلا ڤی خیابانێ	ئەوەلی ئەو خیابانەی
این را برایم خرد کنید!	ئەڤی مرا (بۆمن) هوور کە!	ئەوەم بۆ ورد کەوە!
پول خرد	پارێ هوور	پوولی ورد
بهره	بەهرە، سوود، قازانج	بەهرە، سووت
صبر کنید.	سەبرکن، سەبرکە.	سەبرکەن، سەبرکە
پول واریز می‌کنم.	پەرە (دراف) هردشینم، پارە دڕژینم.	پووڵ تێدەکەم.
به حساب من	بۆ حسابێ من	بە حسابی من
چقدر است؟	چقاسە؟ چەندە؟	چەندە؟

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
شەش هزارم دمیە!	شەش هزارا بدە!	شش هزار بدهید!
حیسابەکەت خالی یە.	حسابا تە خالی یە (بەتالە).	حسابتان خالی است.
ئەوانە بژمێرە(ن).	ئەڤانا بژمێرە، هەژمێرە(ن).	اینها را بشمارید!
حەوالە دەکەم.	حەوالە دکم(دکەم).	حواله می‌کنم.
ئیشتباه بوویە.	ئیشتباه بوویە.	اشتباه شده است.
ئیمزای کە!	ئیمزا کە!	امضاء کنید!
حتسابی پاشە کەوت	حسابا پەس ئەنداز، (پاش ئێخستن) پاشتاهاڤیتن	حساب پس انداز
بژمارە تەحویلی وەرگرە!	بژمرە تەحویل بگرە!	بشمارید تحویل بگیرید!
ئەوحیسابە لە شوعبەیەکی دیکەیە.	ئەڤ حسابا ل شۆعبەکە دنێ (دیکە) دایە.	این حساب در شعبه‌ی دیگر است.
فۆرم پڕ کەوە!	فۆرمێ تژی کە!	فرم پر کنید!
دەرئامەدی سالانە	داهاتا سالانە، دەرهاتنا سالانە	در آمد سالانه
پاشمارە	ئەڤا مایی، یامایی	باقیمانده
سوورت حێساب	سوورەت حساب	صورت حساب
حێسابی سابیت، حسێبی سابیت	حسابا سابت	حساب ثابت
حێسابی جاری	حسابا جاری	حساب جاری
ئەو رەئیسی بانگی یە.	ئەو(ئەوا) رەئیسێ بانگێ یە.	او رئیس بانک است.
بانکی میللی لە کوێ یە؟	بانگا میللی کێدرەێ یە(کویە)؟	بانک ملی کجاست؟
لە سەندووقێ وەری گرە.	ژ سوندووقێ وەرگرە.	از صندوق بگیرید.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
پست ، در پستخانه	پۆست ، پۆست خانێ دا	له پۆستخانه
پست	پۆست	پۆست
پستچی	پۆستچی	پۆستچی
جعبهٔ پست	جەعبا(قۆتیا) پۆستێ	قوتووی پۆست
پستخانه کی باز می‌شود؟	پۆستخانه کەنگێ وه دبه؟	پۆستخانه کەنگێ دەکریتەوه؟
پست هوایی	پۆستا هەوایی	پۆستی هەوایی
برای آسیا چقدر است؟	بو ئاسیا چەندە؟	ئاسیا به چەندە؟
چه وقت می‌رسد؟	کەنگێ (چ ئاختی) دگێژه؟	کەی دەگاتێ؟
آدرس کجاست؟	ئادرێس کویه، ناڤ نیشان کێدەرێ یه؟	نێو نیشان کوێیه؟ ئادریس له کوێ یه؟
این نامه را برایم پست کنید!	ئەڤێ نامێ بۆمن پۆست که!	ئەو نامەیە بۆمن پۆستی بکه!
این بسته سفارشی است.	ئەڤ بەستا سفارشی یه.	ئەو بەستەیە سفاریشی یه.
در اینجا پیغامی است؟	ئەڤێ دا پەیغامەک هەیه؟	لەئیرەدا راسپاردەیەک هەیه؟
پست دور است؟	پۆست دووره؟	پۆست دووره؟
اداره پست پشت خانه ماست.	ئیدارا پۆستێ ل پشت مالا مەیه.	ئیدارەی پۆست له پشتی مالی ئێمەیه.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
تلفن، تلفن خانه	تێلفوون، تێلفوون خانه	تەلەفوون، تەلەفوون خانه
تلفن عمومی	تێلفوونا عموومی	تەلەفوون گشتی
گوشی	گۆشی	گۆشی
می‌توانی شماره بگیری؟	دکاری شۆمارێ بگری؟	دەتوانی ژماره بگری؟
می‌توانم از تلفن شما استفاده کنم؟	دکارم ژ تێلفوونا وه ئیستفاده کم؟	دەتوانم لە تەلەفوونی ئێوه ئیستفاده بکەم؟
راهنمای تلفن	رێ نیشا تێلفوونێ	رێنوێنی تەلەفوون
قطع شد.	قەتع بوو، قوت بوو	قەتع بوو
صدا می‌آید؟	دەنگ دێ؟	دەنگ دێ؟
خط مشغول است.	خەت مەشغووڵە، مژووله	خەت مەشغووڵە
می‌خواهم به این شماره زنگ بزنم.	دخازم ب ڤێ ژمارێ زەنگێ لێدم(لێخم)	دەمەوی زەنگ بۆ ئەو ژماره یه لێدەم.
شماره‌تان را یکبار دیگر نیز بگوئید!	ژمارا خۆ جارەکە دیکه ژی (نژی) بێژن!	ژمارەیی خۆت جارێک دیکەش بڵێن.
مشغول است، صحبت می‌کند.	مەشغووڵە، قسه دکه (خەبەر دده).	مەشغووڵە، قسه دەکا.
یک بار دیگر هم بگیرید!	جارەکە دن ژی (دیکەژی) بگره!	جارەک دیکەش (تریش) بیگرەوه!
شما را نمی‌شناسم.	ته(وه) ناس ناکم.	ئێوه ناناسم.
شما کی هستید؟	هوون کی نه؟	ئێوه کێن؟
گوش کن!	گوهـ بده!	گوێ بدمیه!
منزل آقای... است؟	مالا (مەنزلا) ئاغایێ... ه؟	ماڵی(مەنزلی)ئاغایی... ه؟

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
اسمتان را به یاد نمی‌آورم.	ناوێ ته نایێ بیرا من.	نێوی ئێوه له بیرم نایێ.
ظهر زنگ بزنید!	نیڤرۆ زەنگێ لێده (لێدەن)!	نیوەرۆیێ زەنگی لێده (لێ بدەن)!
در منزل نیست.	ماڵدا (ماڵێدا) نینه.	له ماڵی نیه.
کارشان دارید؟	کارێ (شوٚلا) ته پێ هەیه؟	کارتان پێ هەیه؟
صبح زود بگیرید.	سۆبێ زوو بگرن.	سبحەینی زوو بگرن.
امری ندارید؟	ئەمرەکی وه تنه(نینه)؟	ئەمرەکتان نیه؟
بعداً زنگ می‌زنم.	پاشێ زەنگی لێدەم.	دوایی زەنگی لێدەدەم.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
آرایشگاه	سەلمانی	سەلمانی ، سەرتاشخانە
می‌خواهم موهایم را کوتاه کنم.	دخازم پڕۆرێ (پرچا) خۆ کورت کم.	دەمەوی قژم کورت کەمەوە.
طرف راست	ئالیێ (لایێ) راستێ	لای راست
به پایین	ژێرێ، خارێ	بو خاری
اطراف	کێلەک، دەر دۆر، قراخ	دەوروبەر
موهایم را بشوئید!	پۆرێ م بشۆ!	مووەکانم بشە!
نه،کم کن.	نە(نا)، کێم کە.	نا، کەمکە.
سرم را بتراشید!	سەرێ م هڵدە، بتراشە!	سەرم بتراشە!
روغن نزنید!	روون لێ نەدە!	رۆونی لێ نەدە!
چه مدلی دوست دارید؟	چ مۆدێلێ حەز دکی (حەژ چ مۆدێلەکێ دکەی)؟	حەز لە چ مۆدیلێک دەکەی(چ مۆدیلێکت پێ خۆشە)؟
بشوئید!	بشو!	بشو!
شانه بزنید!	شە لێدە (شەکە)!	شانەی لێدە!
سشوار بزنید!	سێشوارێ لێدە!	سێشواری لێدە!
کم رنگ	کێم رەنگ	کەم ڕەنگ
آینه	نەینک	ئاوێنە
کمی کوتاه کنید!	کێمەکێ کورت کە!	کەمێکی کورت کەوە!
سایه	سیبەر، سی	سایە، سێبەر
کرم	کرێم	کرێم
قیچی بزنید!	مەقەسێ لێدە(مقەس کە)!	مقەسی لێدە!
سیبیل	سمبێل، سمێل	سمێل
کافی است!	بەسە!	بەسە!

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
به بالا شانه بزنید!	هەوراز شەکە!	بۆسەرێی (هەوراز) شانەکە!
چند می‌شود؟	چەند دبە (دکەت چەند)؟	چەند دەبێ، (چەند دەکا)؟

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
ویزا	ویزا	ویزا
سفارت	سفارەت، بالیۆزخازنە	سفارەت، بالوێزخانە
عکس	عەکس، شکل	عەکس، وێنە
سند، مدرک	بەلگە، سەنەد، مەدرەک	سەنەد، بەلگە
سؤالات را نمی‌فهمم.	پرسا فەهم ناکم، ژ پرسا سەرئاخت(سەروەخت) نابم.	لە پسیارەکان تێ ناگەم.
بار اول است.	جارا عەوولی یە.	جاری یەکەمە.
پاسپورت	پاسپورت، پاس	پاسپۆرت
تقاضا	داخاز، خاستن	داخواز
مدرک را بدهید!	بەلگێ بدە، مەدرەکێ بدە!	بەلگەکان بدەن!
برای کار مهم	بۆشۆلەکی مۆهم	بۆ کارێکیمۆهیم(گرینگ)
ویزای پانزده روزه	ویزا پانزده رۆژا	ویزایی پازده ڕۆژە
یک عکس بدهید!	عەکسەکێ بدە!	عەکسەکی بدە!
برای خارجه	خارجە ڕا، بۆ دەرڤە	بۆ خارجە، بۆ دەرەوە

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
وزارتخانه	**وەزارەت خانە**	**وەزارەت خانە**
امور خارجه	کارۆبارێ دەرڤە	کاروباری دەرەوە
وزارت کشور	وزارەتا ناڤخۆ	وزارەتی ناوخۆ
کار	کار، شۆل، شۆغل	کار، ئیش
امور داخلی	کارۆبارێ ناوخۆ	کاروباری ناوخۆ
دفاع	بەرەڤانی، بەرگری	بەرگری
دادگستری	دادگۆستەری	دادپەروەری
ادارەی آب و برق	ئیدارا ئاڤ و بەرقی	ئیدارەی ئاو و بەرق(کارەبا)
وزارتخانه از اینجا خیلی دور است.	وەزارەتخانە ژ ڤێدەرێ ڕا (ئێرەڕا) زۆر دوورە.	وەزارەتخانە لێرەوە (لێرەڕا) زۆر دوورە.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
اعضاء بدن	ئەندامێ بەدەنێ	ئەندامی لاش
سر	سەر	سەر
پا	پێ، لنگ	لاق
گوش	گۆه	گوێ، گوێچکە، گوچکە
بینی ،دماغ	پۆز، دفن، بێڤل	کەپۆ، لووت
صورت	سوورەت، ڕوو	ڕوو
سینه	سینگ	سینگ
شانه، وسط شانه	مل، نامل، ناڤ مل	شان، نێوشان
دست	دەست	دەست
کف دست	کەفا دەست، بەرێ دەست	بەری دەست
ناخن	نەینووک، نێنۆک	نینۆک
پستان	مەمک، چچک	مەمک
چشم	چاڤ، چەعڤ	چاو
گردن	ئستی، ئوستوو، گەردەن، سوکور	مل، ئوستوو، گەردەن
اندام	ئەندام	ئەندام
بدن	بەدەن، لەش	لەش، بەدەن
زلف	بسک	پرچ، زۆلف
ابرو	بری، برۆ	برۆ
پیشانی	نەعتک، عەنی	هەنیە
انگشت	تلی، پێ چی، تپڵ	قامک، ئەنگۆست
لب	لێڤ	لێو
دندان	ددان، دران	ددان
چانه	چەن، ئەرزنگ	چەنە، چەنەگە

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
ریش	ڕوو، ڕدین	ڕدین
انگشت کوچک	تلیا بچووک	قامکی چووکە
انگشت بزرگ	تلیا مەزن	قامکی گەورە
انگشت اشاره	تلیا ئشارە(نیشان داییندێ)	قامکی شارە
انگشت وسط	تلیا ناوێ	قامکی نێوانێ
مچ	قەیتک، زەند	جومگە، پیل
آرنج	عەنیشک، ئەنیشک	ئانیشک
پشت	پشت	پشت
مغز	مێژی، مەژی	مێشک
استخوان	هستک، هەستی	ئێسک، ئێسقان
ران	هێد، ران	ڕان
قوزک پا	گووزکا پێ، گۆزینگ	جگی لاق
قلب	قەلب، دڵ	دڵ
خون	خوون، خوین	خوێن
کلیه	گۆرچک	گۆرچیلە
ناف	ناڤک	نێوک
زیر بغل	بن مل، بن چەنگ	ژێرباغەڵ، بن هەنگڵ
کمر	کەمەر، کەمبەر	کەمەر
ماهیچه	ماچە	ماسیلە
جگر	جەگەر، جەرگ	جەرگ
شش	پشک، سهی	سیێ، سێپەلاک
لوز	لۆزە، گلالە	ئالو
شکم	زک	زگ، سک
زانو	سەرچۆک	ئەژنۆ

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
دنده	پەرەسوو، پالخان	قەبرغە
پوست	چەرم، پیست	پۆست، پێست
مثانه	میزدان، کۆل میسک	میزدان
صفرا، کیسه صفرا	زراف، کیسێ سەفرایێ	سەفرا، کیسە سەفرا
حلقوم	گەوری، قرک، حەوک	گەورو، ئەوک
پشت گردن	پشتا ئستوو، پشتا سۆکر	پشت مل، پشت ئوستۆ
بغل، طرفین	کێلەک، رەخ	کەلەکە، تەنشت
دل	دل	دڵ
روده	دۆران، رڤی، رۆڤی	ڕووده، ڕوی
مو	پرچ، پۆر	قژ، موو
پلک	قریک، پەرگێ چاڤ	پێلوی چاو

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
بیماری، بیماری ها	نەخاشی، نەخاشیا	نەخۆشی، نەخۆشیەکان
سرفه	کۆخک	کۆخکە
وبا	وەبا	وەبا، چاوقوولکە
سردرد	سەرئێش	سەرئێشە
سرما خوردگی	سەرماخارن، سرلێدان	سەرمابوون
تب	تەب، تا	نۆبەتێ، تا
اسهال	ئیسهال، زک چون	زگ چوون، ئیسهال
زخم معده	برینا (زەخم) مەعدە	برینی مەعدە
ذات الریه	زاتوریيە، ساتوجەم	زاتووریا
خون ریزی	خوون رژی	خوێن ڕژی
سکته قلبی	سەکتە قەلب	سەکتەی دل
سکته	سەختە، سەکتە	شەپلە (سەکتە)
سست	سست	سست
بی هوش	بێ هش	بێ هۆش
سرطان	سەرەتان، پەنجەشێر، کولەپەنجە	سەرەتان، میرپەنجە، پەنجەشێر
پا درد	پێ (لنگ، نگ) ئێش	لاق ئێش
تو مریض هستی؟	تۆ نەخاشی(نەساخی)؟	ئەتۆ نەخۆشی؟
انشاءالله خوب می شوی .	ئنشاللاە باش دبی.	ئنشاللاە باش دەبی.
درمان	دەرمان	دەرمان
حالم خراب است	حالێ من خرابە.	حالم خراپە.

سورانی (مهابادی)	بادینی (کرمانجی شمالی)	فارسی
خـودا شـفا دایـی یـه (شـفا دەرە).	خودێ شفا دەرە.	خدا شفا دهنده است.
نەخۆشخانە لە کوێ یە؟	نەخاشخانە کێدەرێیە؟ بیمارستان کۆیە؟	بیمارستان کجاست ؟
نەخۆشی تۆ عەلاجی نیە.	نـەخاشـیا تـە عـەلاجـا وێ نینە (تنە)	بیماری تو لاعلاج است .

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
دکتر	**دکتۆر ، دختۆر**	**دوکتۆر**
معاینه	موعاینه	مووعاینه
ساعت کار	سعەتا شولێ (شۆغلێ)	سەعاتی کار
درد	ئێش، ژان	ئێش، ژان
نفس بکش	نەفەسێ بکشینه (بکێشه)	هەناسه هەڵکێشه، نەفەسێ بکێشه
فشارخون	فشارا خوونی	فشاری خوێن
دارو	دەرمان	دەرمان
سرم درد می کند.	سەرێ من دێشه	سەرم دێشێ
دلم تنگ می شود.	دلێ من دگرە.	دڵم تەنگ دەبێ.
داروخانه	دارووخانه، دەواخانه	دارووخانه، دەواخانه
حالت چطور است .	حاڵێ تە چانه (چاوانی)؟	حاڵت چۆنه(چلۆنی)؟
تکان بده	بهەژینه	تەکانی بده
آزمایشگاه	ئازمایشگا، جەربینگه	ئازمایشگا، تاقی گه
پول ویزیت	پەرێ (دراڤێ) موعاینێ	پووڵی مووعایەنه
او دکترخوبی است.	ئەو دۆکتۆرەکی باشه.	ئەو دۆکتۆرێکی چاکه.
تب داری؟	تەبا تە هەیە؟	تەبت هەیە؟
کجایت درد می کند؟	کێدەرا تە دێشه؟	کوێت دێشێ؟
روزی سه بار	رۆژێ سێ جار	رۆژی سێ جار
خون	خوون، خوین	خوێن
در پهلوی چپ	ل کێلەکا (تەنشتا) چەپێ	لە لای چەپێ
قرص	حەب	حەب

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
زمانت بێنەدەرێ (دەرێنە)!	زمانێ خۆ دەرخینە(دەرێخە)!	زبانتان را درآورید!
کاتی خەوتن	ئاختێ (وەختێ) خەوێ	موقع خراب
دیسان وەرە!	دیساڤ وەرە!	بازهم بیایید!
هەستە!	ڕابە!	بلند شوید!
دانیشە!	روونێ!	بنشینید!
جل و بەرگت (لیباست) بێنەدەرێ!	کنجی (جلکێ) خۆ دەرخینە!	لباست را دربیاور!
کەوچکەکی چای خۆری	کەوچی یەکی چای خارنێ	یک قاشق چای خوری
چاک (باش) بوویی؟	باش بوویی؟	خوب شدید؟
ئەوە بخۆ!	ئەڤی بوخە(بخۆ)!	این را بخورید!
فشارم لە سەرێ یە(زۆرە).	فشارام زۆرایە(سەرێ یە).	فشارم بالاست.
شکاوە.	شکەستی یە.	شکسته است.
درێژ بە، ڕاکشە!	درێژ بە، خۆ درێژکە، ڕاکشە!	دراز بکشید!
دەرزی	دەرزی	آمپول
لە مێژە نەخۆشی؟	مێژدایە (زوودایە) نەخاشی؟	خیلی وقت است مریض هستید؟
پووک	پری، پوو	لثه
ددانم دێشێ (دێشێت).	درانێم (ددانێ من)دێشە(دێشێت).	دندانم درد می‌کند.
ددانی مەسنووعی	درانێ (ددانی) مەسنووعی	دندان مصنوعی
ددانم شکاوە ،پڕی کەوە!	درانێ ددانێ من کەشتی یە(شکەستی یە)، تژی کە!	دندانم شکسته است،پرکنید!

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
دندانت را بکشم؟	درانێ تە بکێشم(بکشینم)؟	درانێ تە بکێشم؟
وقت ملاقات داری؟	ئاختێ مۆلاقاتا تەهەیە؟	وەختـــی چاوپێکـــەوتـــن (مۆلاقات)ت هەیە؟
دهانت را باز کن!	دەڤێ خوە ڤەکە!	زارت (دەوی خۆ) بکەوە!
کمی زود بیایید!	هندەکی زوو وەرە(وارە)!	برێـک (کـەمێـک) زوو وەرە!
ورم کرده است.	وارم یە، وەرمی‌یە	کیسی کردووە.
بایدبکشید!	گەرەکی بکێشی (بکشینی).	دەبێ بیکێشی!
عینک	بەرچەعڤک، بەرچاڤک	چاویلکە
کور	کۆر	کوێر
عینک‌می‌نویسم.	بەرچەعڤکێ(عەینەکێ)دنڤیسم.	عەینەکی دەنووسم.
اجازه بدهید چشمهایتان را ببینم!	ئیجـازێ بـدە چـاڤێ تـە بنێـرم (مێزەکم)!	ئیجازە بدە چاوەکانت ببینم!
خوب نمی‌بینی؟	باش نابینی؟	چاک نابینی؟
نزدیک را نمی‌بینم.	نێزیک نابینم.	نزیک نابینم.
آمد بیرون	هاتە دەرێ (دەرڕا)	هاتە دەرێ
ببین	ببینە، بنێڕە	ببینە
نگاه‌کن!	دێنا خۆ بدێ، لێ بنێڕە!	چاو لێ کە!
قطره بریز!	قەترێ بڕژینێ (هرشینە)!	قەترەی بڕژینێ(تێکە)!
او دکتـر خـوش اخلاقـی است.	ئەوا دۆکتۆرەکی خاش ئەخلاقە.	ئەوە دوکتـۆرێکـی خـۆش ئەخلاقە.
به خاطر پیری است.	ل بەر پیر بوونێ یە.	لە بەر پیر بوونێ یە.
نترس چیزی نیست.	نەترسە تشتەک نینە.	مەترسە شتێک نیە.
دفترچه بیمه دارم.	دەفتەرچا بیما م هەیە.	دەفتەرچەی بیمە م هەیە.

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
دوای مانگەگی وەرە.	پشتی مەهەکی (هەیڤەکی) وەرە.	بعد از یک ماه بیایید.
زۆر سپاس دەکەم.	گەلەکی سپاس دکم.	خیلی ممنون هستم.
فەرموو.	کەرەمکە.	بفرمایید.

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
ژمارەکان و ئەندازەکان	عەدەد (ژمارێ) وە ئەندازێ	اعداد و اندازه ها
سیفر	سفر	صفر
یەک (یێک)	یەک	یک
دوو	دۆ (دۆدۆ)	دو
سێ	سێ	سه
چوار	چیار(چار)	چهار
پێنج	پێنج	پنج
شەش	شەش	شش
حەوت	هەفت	هفت
هەشت	هەشت	هشت
نۆ	نەه	نه
دە	دەه	ده
نۆزدە	نوززدە	نوزده
بیست	بیست	بیست
سی	سی	سی
چل	چل	چهل
پەنجا	پێجی ، پێنجە	پنجاه
شێست(شەست)	شێست	شصت
حەفتا	هەفتێ	هفتاد
هەشتا	هەشتێ	هشتاد
نەوەد	نەهوێد	نود
سەت	سەد	صد
هەزار	هەزار	هزار
یەکەمین ، ئەوەلین	ئەوەلین ، یەکمین	اولین
دووهەمین	دۆومین	دومین

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
آخرین	ئاخرین، دا	ئاخرین، دوایین
همه	هەموو، گشت	تەواو، هەموو
ما پنج نفر هستیم.	ئەم پێنج نەفەرن.	ئێمە پێنج نەفەرین.
من سه تا کتاب می‌خواهم.	ئەز سێ کتێبا دخازم.	ئەمن سێ کتێبم دەوێ.
کوتاه	کورت، کن	کورت
بلند	بڵند، درێژ	بڵند، بەرز
بزرگ	مەزن، گر	گەورە
کوچک	چووک،بچووک، کووشکە	چکۆڵە
متوسط	ناڤنجی	نێونجی
دراز	درێژ	درێژ
تنها	تەنێ ، تنێ	تەنیا
یک جفت	جۆتەک	جووتێک
گشاد	فرە، فش	گۆشاد، فش
عمق	کوورایی	قووڵایی
عمیق	کوور	قووڵ
طول	درێژایی	درێژایی
عرض	پانایی	پانایی
متر	مێتر، گەز	میتر، گەز
کلفت	ئستوور، قالند	ئەستوور
یک‌چهارم	چاری یەک، چاریکەک	چواریەک
نصف	نیڤ	نیوە
تنگ	تەنگ ،...طەنگ	تەنگ
این مرد خیلی دراز است.	ئەڤ مێرکا زۆر درێژە.	ئەو پیاوە زۆر درێژە.
عمق این آب چقدر است؟	کوورایا ڤێ ئاڤێ چقاسە؟	قوڵایی ئەم ئاوە چەندە؟

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
من سه کیلو گوشت خریدم.	م سێ کیلۆ گۆشت کڕی.	ئەمن سێ کیلوو گۆشتم کڕی.
دست من بزرگ است.	دەستێ من مەزنە.	دەستم گەورە یە.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
رنگ ، رنگها	**ڕەنگ ، ڕەنگا**	**ڕەنگ ، ڕەنگەکان**
سیاه	ڕەش	ڕەش
زرد	زەر	زەرد
سفید	سپی	سپی
سرخ	سور	سوور
آبی	شین، هێشین	شین، ئاوی
خاکستری	گەور	بۆر
توسی	تووسی	تووسی
صورتی	سوورەتی، پەمبە	چێرمی
شیری	شیری	شیری
سبز	کەسک	سەوز
سبزتند	کەسکێ طاری	کەسک
رنگ لباس من سیاه است.	ڕەنگێ کراسێ م ڕەشە.	ڕەنگی کراسم ڕەشە.
رنگ آسمان آبی است.	ڕەنگێ عەسمان(عەسمین) هێشینە(شینە).	ڕەنگێ ئاسمان ئاوی یە.
من یک شلوار سفید خریدم.	م شالەکی سپی کڕی.	شاڵێکی سپیم کڕی.

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
جواهرات ، فلزات	جەواهرات و هەسن وان	جەواهێرات و ئاسنەواڵە
طلا	زێر	زێر
نقره	زیڤ	زیو
نگین	قاش	نقیم
پلاتین	زێرێ سپی	زێری سپی
برلیان	پرووش	برێلیان
عقیق	عەقیق	یاقیق
گردنبند	گەردەن بەند، گەردەنی	گەردەن بەند، تۆق
سنجاق	سنجاق	سنجاق
گوشواره	گۆهار	گواره
ساعت	سعەت، دەم ژمێر	سەعات، کات ژمێر
انگشتر	گوستیل	ئەنگوستیله
دستبند	دەس بەند	دەس بەند
آهن	هەسن، ئاسن	ئاسن
پول فلزی	پەرێ هەسن	پوولی ئاسن
فولاد	پۆڵا	پۆڵا
قلع	قەڵا	قەلایی
آلومینیوم	ئالمینیۆم	ئالمینیۆم
روی	روی ، بافوون	روح
مس	میس ، سفر	مس
جیوه	جیوه	جیوه
انگشترم طلاست.	گوستیلا من زێرە.	ئەنگوستیلی من زێرە.
نقره می‌خواهی.	زیڤ دخازی ؟	زیوت دەوێ؟

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
زێر له زیو گرانتره.	زێـــر ژ زیـــڤ گرانتـــره (بهاتره).	طلا از نقره گران‌تر است.
جنسیَ دەس بەندی تو چیە؟	جنسیَ دەس بەندا تە چیە ؟	جنس دستبند تو چیه؟
ئاسن ڕزی.	هەسن ڕزیا(ڕزی).	آهن پوسید.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
حیوانات، پرندگان و حشرات	حەیڤانات، تەیر، کێزک	حەیوانات(مالات) باڵندەکان جرو جانەوەر
اسب	هەسپ	ئەسپ
قوچ	بەران	بەران
گاونر	گا	گا
گاو ماده	چێل چێلەک	مانگا
گاومیش	گامێش	گامێش
شتر	حیشتر، دەڤە	وشتر
گوسفند	پەز	پەز، مەڕ
سگ	سە، کووچک	سەگ، گوماڵ
غاز	قاز	قاز
مرغ	مریشک	مریشک، مامر
بز	بزن	بزن
بزغاله	کار، کارک	کارژیلە
خر	کەر، گوەدرێژ	کەر، ولاغ
خوک	بەراز	بەراز
مرغابی	مریشکا ئاڤێ، مراوی	مرناوی
شیر	شێر	شێر
خروس	دیک، دیکل	کەڵەباب، کەڵەشێر
بره	بەرخ	بەرخ
گربه	پشیک، کتک	پشیلە، کتک
قاطر	ئێستر، قانتڕ	ئێستر
ببر	بەبر	بەبر
پلنگ	پڵنگ	پڵینگ
روباه	روڤی	ڕێوی

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
زرافه	زەرافە	زەرافە
خرس	هورچ، هرچ	ورچ
موش	مشک	مشک
آهو	کارخەزال، ئاسک	ئاسک
اژدها	ئەژدیها	هەژدیها، زیا
اسب نر	هەسپ	ئەسپ
اسب ماده	ماهین، مەهین	ماهین
کره اسب	جانیک، جانی	جانو، جوانوو
قورباغه	بەق	بۆق
سوسمار	مەعرگیسک، مەقەزەر، مارولە، مەحت مەحتۆک	زەردە قۆڕە
عقرب	دووپشک	دووپشک
ماهی	ماسی، مەعسی	ماسی
گوسفند ماده	می، مهی	مەڕ (مێ)
تازی	تەعژی، تاژی	تاژی
جوجه‌تیغی	ژیژی، کوژی، جوشک، ژوشک	شووژی
بوقلمون	عەلۆک، هەشترخان	قەلەموونە، بوقلە، قەل
کبک	کەو	کەو، کەوک
جغد	کوند، برم، بم	کوند
مارمولک	مات ماتۆک، کەمکەمۆک	مارمێلکە
کبک ماده	کەوێ مێ (کەوامێ)	کەوی مێ
کنه،ساس	گەنە	گەنە
خرچنگ	رەقا (بەقا) سەرکێلەکێ، کێمژالە	کمژالە، کەژوال

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
کره‌خر	جاشەکەر، جاشک	جاشک، جاش
لاک‌پشت	کوسی، کیسەل،کوسەل	کیسەڵ
گوساله	گۆلک	گوێلک
گوزن	خەزال، پەزکوڤی	مەڕەکێوی
خرگوش	کەرۆشک، کێروشک، کەرگوە	کەروێشک، کەرۆشک
خفاش	پێچەرمووک، پەلەچەمک	شەمشەمە کوێرە
کلاغ	قرک، قژالک	قەلەسابوونی
گنجشک سیاه	قژک، رەشۆلە	چولەکەی ڕەش، قشقەڵە
لک‌لک	حاجی لەک لەک (حاجی لەی لەک)	لەک لەک(حاجی لەک لەک)
گرگ	گور، گورگ	گۆرگ
بلبل	بلبل، شالوول	بولبول
کبک	کەو	کەو
اردک	ئاوەدەک، واردەک، ئوردەک	ئوردەک
مار	مەعر، مار	مار
کبوتر	کەڤۆک، کوتر	کۆتر
مورچه	مووروستانگ، مێرو، مۆری	مێرووله
پروانه	منمنیک، پرپرۆک	پەپووله
عنکبوت	پیرهەوۆک، پیرحەپۆک	جاڵ جاڵووک
شپش	سپی، هسپی	ئەسپێ
شانه‌بسر	پەپووک، پەپوو	پەپوسلێمانکە، پەپوسلیمانی
مگس	مێش	مێش

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
زنبور	مێشا هنگڤ، مۆز	مێش هەنگوین(هەنگ)، زمردەواله
گنجشک	چیڤک، چڤیک، جووجک	چۆلەکە
کک	کێچ	کێچ
گربه دشمن موش است.	پشیک دوژمنێ مشکە.	کتک دوژمنی مشکە.
گرگ جانور گوشت‌خواری است.	گور حەیڤانەکی گۆشت خۆرە.	گورگ گیانەوەرێکی گۆشت خۆرە.
مار سمی خطرناک است.	مەعرێ (مارێ)ژاری (ژەری)خەتەرناکە.	مارێ ژاری (سەمی) خەتەرناکە.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
گل‌ها،میوه‌ها خوار و بار	گول، میوه (ئێمیش)، خارۆبار	گوله‌کان، میوه کان، خوارۆبار
میخک	مێخک	مێخه‌ک
گل‌آفتابگردان	گوله به‌رۆژ	گوله به‌رۆژه
گل‌نرگس	گولا نێرگز	گولی نێرگز
گل و چیچک	گول و چیچه‌ک	گول و چیچه‌ک
سوسن	سۆسن	سوێسن
گل‌سرخ	گولاسۆر	گولی سوور
باغچه‌گلها	باخچێ گۆلا	باقچه‌یی گوله‌کان
سیب	سێڤ	سێو
زردآلو	زه‌رده‌له، قه‌یسی	قه‌یسی، شێلانه
آلوچه	ترشک، حالوچه	هه‌ڵووچه
انار	هنار، هه‌نار	هه‌نار
انگور	تری	ترێ، هه‌نگوور
توت	توو	توو
هندوانه	کاڵ، زه‌به‌ش، شمتی	شووتی، هه‌تی
موز	مۆز	مه‌وز
خربزه	کالک، گندووره	کاڵه‌ک
گلابی	هرمێ	هه‌رمێ
گیلاس	گێلاس	گێلاس
خیار	خیار	خه‌یار، ھاروێ
پرتغال	پۆرته‌قاڵ	پرته‌غال
هلو	خوخ، شه‌فته‌لی	هوڵو، کۆخ
قارچ	کاری، کوڤارک	کارگ، قارچک
کدو	که‌دۆ، کوندر (کوندک)	کووله‌که

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
شنبلیله	شەمبەلە	شەمێلە
ترب	تڤر	توور
کلم	کەلەم	کەلەم
لوبیا	لوبیا، لۆپک	باقلە، لوبیا
هویچ	گزێر، گێزەر	گێزەر
بادمجان	بانجان، تەماتە	باینجان
بادمجان‌سیاه	بانجانێ رەش	باینجانی رەش
لیمو، لیموترش	لێموو، لێمونێ ترش	لیمو، لیموترش
نارنگی	نارنجی	نارنگی
گوجه‌فرنگی	بانجانێ سۆر	باینجانی سوور
چه می‌خواهی؟	چ دخازی؟	چت دەوی؟
من دو کیلو سیب می‌خواهم.	ئەز دۆ کیلۆ سێڤ دخازم.	ئەمن دوو کیلۆ سێوم دەوێ.
کدام گل را دوست داری؟	کیژان (کێژ) گولێ حەزدکی؟	کام گول پێت خۆشە؟
من خیا رنمی‌خورم.	ئەز خیارێ ناخوم.	ئەمن خەیاری ناخۆم.
من آب هویچ دوست دارم.	ئەز ئاڤا گزێرا حەز دکم.	ئاوی گێزەر پێم خۆشە.
چند کیلو سیب زرد برایتان بکشم؟	چەند کیلۆ سێڤێ زەر تەرا (بۆتە) بکێشم؟	چەند کیلۆسێوی زەرد بۆت بکێشم؟
انگور کیلوئی چند است؟	کیلۆوا ترێ چەندە یە؟	کیلۆیی ترێ بە چەندە؟
کره	کەرە ، نڤیشک	کەرە
روغن	روون	رۆن، روون
پنیر	پەنیر	پەنیر
تخم‌مرغ	هێک، هێلک	هێلکە
برنج	برنج	برینج

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
شیر	شیر	شیر
نمک	خێ، خۆی	خۆی
نان	نان، نێن	نان
ماست	ماست	ماست
چای	چا	چا، چایی
سیر	سیر	سیر
لپه	لەپە	لەپە
نخود	نۆک، نتورک	نۆک
فلفل	بیبار، بیبەر	بیبار
دوغ	دەو	دۆ
زردچوبه	زەرچوویە، زەردەچیو	زەرد چێوە
مربا	مرەبە، مرەبا	مرەبا
پیاز	پیواز	پیواز
سبزیجات	سەوزی جات، پنجار،	سەوزیجات
سیب‌زمینی	کارتۆل، سێڤک، کارتۆپی	بەرِەڵماسی، پەتاتە
شکر	شەکر	شەکر
قند	قەند	قەند
آب‌لیمو	ئاڤ لێموو	ئاولێمو
کنسروماهی	کۆنسێرڤا ماسیا	کۆنسێروی ماسی
رشته	رشتە	هەرشتە
ماکارونی	ماکرۆنی	ماکارۆنی
گوشت گوسفند	گۆشتێ پەز	گۆشتی مەر(پەز)
گوشت گوساله بده!	گۆشتێ گۆلکێ بدە!	گۆشتی گوێلکی بدە!
گوشت قرمز هست؟	گۆشتێ سۆر هەیە؟	گۆشتی سوور هەیە؟

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
سفر، مسافرت	سەفەر، مۆسافرەت	سەفەر، مۆسافیرەت
دوچرخه	دوچەرخە، چەرخ	دووچەرخە
ماشین	ماشین	ماشێن
کشتی	گەمی	گەمی
هواپیما	فڕۆکە	فڕۆکە
قطار	قەتار	قەتار
قایق	قاییک، کەلەک	لۆتکە، کەلەک
بارکشی	بارکشی	بارکێشی
تاکسی	تاکسی	تاکسی
پیکان	پێ یکان	پێ یکان
پیاده شدن	پەیا بوون	دابەزین
کرایه	کرێ	کرێ
به کجامی روی؟	بو کو دچی؟ دچی کێدەرێ؟	بو کوێ دەچی؟
راننده کجاست؟	شۆفر (کیدەرێ یە) کوییە؟	لێخور لە کۆێ یە؟
ایستگاه اتوبوس پیاده می‌شوم.	ل ئیزگا ئوتوبووسێ پەیا دبم.	لە ئیزگای ئوتوبووسی دادەبەزم.
برای ماکو چنده؟	بۆ ماکوویێ چەندە؟	بۆ ماکوو چەندە؟
از این طرف تبریز خیلی دور است.	ل ڤی ئالیدا تەورێز زۆر دوورە.	لەولایەدا تەورێز زۆر دوورە.
رسید	گهیشت، گەهیشتێ	رەسید، گەیشتێ
رفت و برگشت	چوونین و هاتن(ڤەگەڕین)	چون و گەڕانەوە
چه وقت	چ وەختی، کەنگێ	کەی، کەنگێ
این را ه به ماکو می‌رود.	ئەڤ رێیا دچە ماکوویێ.	ئەو رێگایە دەچێتە ماکوو.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
دیروزحرکت بود.	دوه(دوینیٚ) حەرەکەت بوو.	دوینیٚ حەرەکەت بوو.
سوارشد.	سیار (سوار) بوو.	سوار بوو.
کسی جا نمانده است؟	کەسەک جی نەمایە؟	کەسی بە جی نە ماوە؟
زود باش!	زوو بە، زوو بکە!	زوو بە!
این جای کیست؟	ئەڤا جیییٚ کیٚ یە؟	ئەوە جێی کی یە؟
سیگارنکشید!	جغـــــاریٚ (جگـــــاریٚ) نەکشینن(نەکێشن)!	سیغار مە کێشن!
پنجره را بازکنید!	پەنجەریٚ ڤەکە!	پەنجەرەی بکە نەوە!
در را ببند!	دەری بگرە(پێڤەدە)!	دەرکە داخە(پێوەدەن)!
دیرکردی.	تە دەرەنگی کریە، دەرەنگی کەتی.	وەدەرنگ کەوتی.
خیلی‌زوداست.	گەلە (زۆر) زوویە.	زۆر زووە.
چقدرمی‌مانید؟	چقاسی دمینن؟	چەندە دمینن؟
کرایه هر نفرچند است؟	کریا هەر نەفەری چەندە؟	کرایـەیـی هـەر نـەفـەر بـە چندە؟
سفرخوبی بود.	سەفەرەکە خاش بوو.	سەفەرەکی خۆش بوو.
می‌توانی صبرکنی؟	دکاری سەبر بکی؟	دەتوانی سەبر کی؟
به داخل شهر می‌روی؟	دچی ناڤ شهەر (شار)؟	دەچیە ناو شار؟
سفر طولانی بود.	سەفەرەکەدرێژ بوو.	سەفەرەکی درێژ بوو.
به پلدشت رفته بودم.	چـوو بـووم (چـوو بوومــە) پولدەشتیٚ.	رویشتبووم بۆ پۆلدەشتی.
به سلامت	ب سلامت، خێرهاتی	بەسەلامەت

سورانی(مهابادی)	بادینی(کرمانجی شمالی)	فارسی
کوڕەی زەوی، سروشت	تۆپا عەردێ و تەبیعەت	کره زمین، طبیعت
کوڕەی زەوی	تۆپا عەردێ	کرەزمین
خاک	خولی، ئاخ	خاک
زەریـــای مـــەزن(دەریـــای گەورە)	بەحرامەزن	اقیانوس
دەریاچە، گۆل	بەحرا بچووک، گۆل	دریاچه
حۆز	گۆل، حەوز	برکه، حوض
رۆخ، کەنار	کێلەک، ڕەخ، دەڤ ئاڤ	ساحل
ئەستێرە	هستێرک، ئستێرک	ستاره
ئاوایی، دێ	ئاڤایی، گوند	آبادی
بەرد	کەڤر، بەر	سنگ
دار	دار	درخت
سایە	سی	سایه
رەوەز	بڕەک ، زنار	صخره
باکوور	باکوور	شمال
باشوور	باشوور	جنوب
رۆژ ئاوا	رۆژ ئاڤا	مغرب
رۆژ هەلات	رۆژ هەلات	مشرق
گەڕۆک	گەڕۆک	سیاره
تەپک	تاپ، تەپە، گرک	تپه
ئێستا	نها، نهە، نووکە، نکا، نهۆ	الان
چیا، کێو، شاخ	چیا، چل	کوه
ناسک	زراف، نازک	نازک
قەلەو	کۆک، قەلەو	چاق

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
زخم	برین	برین، زام
سبک	سڤک	سوک
سنگین	گران	قورس
کثیف	پیس، گەمار، قرێژ	پیس، ناخاوێن
گیج	گێژ، هێر	گێژ
کلوخ	کەرسەک، کەرسەنگ، کەستەک	سندەگل
دیوانه	سەفێک، جنو، سەفی، دین	شێت
سنگ‌بزرگ	زنار، تەعت، حیپ	گاشە بەرد
خم	خار، خوار	خوار، لار
سیل	لێوی، لێمشت، لەهی	لافاو، سێلاو
بالا	ژۆرێ، سەرێ	سەرێ، سەروو، ژوورێ
پائین	ژێر، خاری	خوارێ ، ژێر
پهن	پان، پەن	پان
یخ	جەمەد، بووز	سەهۆڵ
میان، در بین	نیڤەک، ناڤەک	نێونجی، لەناوەینی
بیرون	دەرڤا، دەرڤە	دەرەوە
خرد	هوور	ورد
این طرف	ڤی ئالی، ئەڤ ئالیا	ئەم لای
آن طرف	وی ئالی، ئەو ئالیا	لەو لای
طرف دیگر	ئالیێ دنە(دن، هانێ)	لای دیکە، لای تر
اینجا	ڤرا، ئێرە، ڤێدەرێ	ئێرە
رودخانه	چەم، رووبار	چۆم

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
صحرا	چۆل	دەشت
جنگل	جەنگەڵ، دارستان	جەنگەڵ، لێڕەوار
شهر	شهەر، شار	شار
پایتخت	پایتەخت، پیێ تەخت	پێتەخت
کشور	وەلات	ولات
چمن	چیمەن، مێرگ	چیمەن
جزیره	جەزیرە، ئادە، گراف	چزیلکە
آبشار	ئاوشار، سوولاڤ	هەڵدێر
زیرزمین	بنێ عەردی، ژێرزەمی	بنێ زەوی، ژێرزەوی
قشلاق	ئاران	گەرمین
ییلاق	زۆزان، وار	کوێستان، هەوارگە
تر	شل، شلی، تەڕ	تەڕ
آب دریاچه ارومیه شور است.	ئاڤا بەحرا (گۆلا) ئوورمیێ شۆرە.	ئاوی دەریاچەی (گۆلی) ورمێ شۆرە.
امروز هوا ابری است.	ئیرۆ هەوا عەوری یە.	ئەمرۆ هەوا هەوری یە.
شما اهل کدام شهر هستید؟	هوون خەلکێ کیژان (کیژ) شهەری نە؟	ئێوە خەلکی کامە شارن؟
آذربایجان‌غربی	ئازەربایجانا رۆژ ئاڤا.	ئازەربایجانی رۆژ ئاوا.
کشور ما ایران است.	وەلاتێ مە ئیرانە.	وەلاتی ئێمە ئێرانە.
اسم این کوه چیست؟	ناڤێ ڤی چیا چییە؟	ناوی ئەم کێوە چییە؟
شهر از روستا بزرگتر است.	شهەر ژ گوند مەزن ترە.	شار لە دێ گەورە ترە.
تهران پایتخت ایران است.	تێهران پایتەختا ئیرانێ یە.	تەهران پێتەختی ئیرانە.
این جنگل چه دل‌انگیز است!	ئەو جەنگەلا چ دڵ فرینە!	ئەم جەنگەلە چەند دڵ بزوێنە!

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
هوای شهر ماکو در تابستان بسیار گرم است.	هەوایێ شهەرێ ماکوویێ هاڤینێ دا گەلەکی (زۆر) گەرمە.	هەوای شاری ماکوو بە هاوین زۆر گەرمە.
عمق این دریاچه پنجاه‌متر است.	کووراییا ڤێ بەحرێ پێنجی مێترە(گەزە).	قووڵایی ئەم بەحرە پەنجا گەزە.
این درخت را من کاشته‌ام.	ئەڤ دارا من(م)چاندی یە.	ئەم دارە من ناشتوومە.

سوراني(مهابادي)	باديني(كرمانجي شمالي)	فارسي
کەل و پەلی خانوو و ژیان	**تشتێ مالێ و ژیانێ**	**وسايل خانه و زندگى**
جل و بەرگ	جل و بەرگ	پوشاک
لیباس، جل و بەرگ	کنج، جلک، لبس	لباس
کومود	کۆمۆد، ئشقاب	کمد
فەرش (مافوورە) قالیچە، مۆکێد	مافوور، خالیچە، مۆکێت	فرش، قاليچه ،موکت
یەخچال	یەخچال ، سارینگ، سارنج	يخچال
تەلەویزیۆن	تەلەویزیۆن	تلويزيون
هەولە، خاولی	حۆلی، قەدیفە	حوله
قاپ ۆ کەوچک	قاب، ئامان، فەرا	ظروف
سەندەڵی، کۆرسی	سەندەلی، کورسی	صندلی
دەستشۆری	دەستشۆ، دەس شووری	دستشوئی
حەمام	حەمام	حمام
کاڕێژ	کاراج	گاراژ
ئاوخور ،تەنگە	ئاڤخۆر ،تەنکە	ليوان و پارچ
کەوچک و چنگاڵ	کەوچی و چەنگال (چەتالە)	قاشق و چنگال
باخچە، چیمەن	باخچە(پارێز)، چیمەن ،مێرگ	باغچه، چمن
هال ،هۆل	هال، سالون	هال
وەتاغی خەو	ئۆدا رازانێ	اتاق‌خواب
وەتاغی میوان	ئۆدا مێڤانا	اتاق پذيرايى
وەتاغی شیو خواردن(نان خواردن)	ئۆدا خارنێ	اتاق غذاخورى

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
تختخواب	تختێ خەوێ	تەختی خەوی
مستراح	دەست ئاف	مەبال، ئاودەست
بخاری	کوورە، سۆبە	کوورە
جارو	گێزی، گێزک	گەسک
گلدان	گولدان	گولدان
بشقاب	سەعنک (دەوری)	دەوری، بوشقاب
پنکه	پەنکە	باوە شێن
دستمال	دەسمال، کەفی	دەسماڵ
تشک	دۆشک، دۆشەگ	دۆشەک
لحاف	لەحاف، لهێف	لێفە
سطل آشغال	ساتلا ئاشغالا، کرس دانک	سەتڵی ئاشغاڵ، زبالدان
جاروبرقی	گێزیابەرقێ، جاروو بەرقی	گەسکی بەرقی
متکا	بالگە (بالگی)، بالێفک	سەرین، سەنیر
استخر	حەوز، گۆلا ئاوێ	گۆل، ئیستەخر
سقف	ئاریک، ئارووک	میچ
بام	بان	بان
کف	کەف	تەرک
دیوار	دیوار	دیوار
در	دەری، دەرک	دەرک
پنجره	پەنجەرە	پەنجەرە
کت	چاگیت، کۆت	کۆت
کفش	سۆل، سۆلک، پێلاو	کەوش، پێلاو
گونی	تەلیس	تەلیس
چاقو	کێر، کێرک	چەقۆ

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
یخچال ما کار نمی‌کند.	یەخچالا (سارینگا) مە ناخەبتە (شۆل ناکە).	یەخچالی ئێمە کارناکا.
تلویزیون شما سوخته است.	تەلەویزیۆنا وە شەووتی یە.	تەلەوزیۆنی ئێوە سۆتاوە.
اتاق را جارو کن!	ئۆدێ، ئوتاقێ گێزی کە!	وەتاغێ گەسک کە!
گلها را آب دادی؟	تەئاڤ دایە گولا؟	ئەتو ئاوت بە گولەکان داوە؟
تو مهمان داری؟	مێوانێ تە هەیە، تە مێڤان هەنە؟	مێوانت هەیە؟
دستشوئی کجاست؟	دەسشۆیی کێدەرێ یە (کوی یە) ؟	دەسشۆری لێ کوێ یە؟
آب حمام گرم است.	ئاوا حەمامێ گەرمە.	ئاوی حەمامێ گەرمە.
این فرش را تازه خریدم.	ئەڤ فەرشا (مافوورە) م تازە کری یە.	ئەم فەرشەم تازە کری یە (کریوە).
خانه همسایه ما دزدیده شد.	مالا جێرانێ (جیناری) مە هاتە دزینێ.	مالێکی جیرانی ئێمە تالان کرا.
دیوار را با گچ صاف می‌کنند.	دیوارا ب (پێ) گەچێ ساف دکن.	دیوارێ بە گەچی ساف دەکەن.
علی بیا غذا بخور خیلی دیر است.	عەلی وەرە نان بخوە زۆر درەنگە (دەرەنگە).	عەلی وەرە نان بخۆ زۆر درەنگە.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
کتاب، روزنامه، کتابفروشی	کتیو، رۆژنامە، کتیو فرۆشی	کتێب، رۆژنامە، کتێب فرۆشی
مجله	گۆڤار	گوفار
داستان، رمان	چیرۆک، رۆمان	چیرۆک، رۆمان
شعر	شێعر، هەلبەست	شێعر
مجموعه	کۆمەلە، بەراڤیک	کۆمەڵە
برگ، ورقه	پەڕ، وەرەقە	پەڕ، وەرەقە
تاقچه کتاب	تاخچا کتێبا(کتێڤا)	تاخچەی کتێبەکان
روزنامه امروز	رۆژ ناما ئیرو	رۆژ نامەی ئەم ڕۆ
نقشه	نەخشە	نەخشە
جلد	بەرگ	بەرگ
نویسنده	نڤیسکار، نڤیسەر	نووسەر
کیف کتاب	کیفێ کتێبا	کیفی کتێبەکان
کتاب‌خانه	کتێب(کتیڤ)خانە (کتێبخانە)	کتێب خانە(کتێبخانە)
سالانه	سالێ	سالانە
کتاب داستان کودک	کتێڤا چیرۆکا زارۆکا (بچوکا، زارا)	کتێبی چیرۆکی مناڵەکان
نوشته	نڤیسار، نڤیس	نووسراو
قلم	قەلەم	قەلەم
دفتر	دەفتەر	دەفتەر
خودنویس	خۆنڤیس	خۆنویس
کاغذ	کاغەز	کاغەز

فارسی	بادینی (کرمانجی شمالی)	سورانی (مهابادی)
کپی	کۆپی، رووگرتن	کۆپی
جوهر	جوهەر، حبر	جوهەر
کتاب تازه	پەرتوکا (کتیڤا) تەزه	کتێبی نۆ، تازه
تو روزنامه امروز را خواندی؟	تە رۆژناما ئیرو خاند؟	ئەتو رۆژنامەیی ئەم رۆژ خوێند؟
استاد آمد.	مامۆستا هات.	مامۆستا هات.
احمدخانی از شعرای بادینی است.	ئەحمەدێ خانێ ژ شاعرێ بادینیانه.	ئەحمەدێ خانێ لە شاعیرەکانی بادینیانه.
نالی از شعرای بزرگ کرد است.	نالّی ژ وان شاعرێ مەزنی کورده.	نالّی شاعیرێکی گەورەی کورده.
احمدخانی کتاب مم و زین را نوشته است.	ئەحمەدێ خانێ کتێبا مەم و زینێ نڤیسی یە.	ئەحمەدێ خانێ کتێبی مەم و زینی نووسی‌یە.
آنچه را دیده‌ام می‌نویسم.	ئەوا من دیتی‌یە دنڤیسم.	ئەوەی دیتوومە دەینووسم.
آن قلمی که به من دادی خوب نمی‌نویسد.	ئەو قەلەما کۆ تە دا من رند (باش) نانڤیسه.	ئەو قەڵەمەی دات بە من باش نانووسێ.
این کتاب برای یادگیری زبان‌کردی خوب است.	ئەو کتێا بۆ فێر بوونا (هیم بوونا) زمانێ کوردی باشه.	ئەم کتێبە بۆ فێر بوونی زمانی کوردی باشه.
کتابفروشی بسته است.	کتێب فرۆشی گرتی یه (دایخستی‌یه) .	کتێب فرۆشی داخراوه.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
ورزش	**وەرزێش**	**وەرزیش**
فوتبال	فووتباڵ، تۆپاپێ یا	تۆپی پێ، فووتبال
والیبال	والیباڵ، تۆپا دەستا	والیباڵ
کشتی	کۆشتی، گولەش، زۆرانی	زۆرانی، کۆشتی
بوکس	مست لیستک، مستانێ	مست بازی
ما دویدیم.	ئەم بەزیان	ئێمە هەلاتین، رامان کرد
شمشیر بازی	شور بازی، شیرانێ	شمشیربازی
چمن فوتبال	چیمەنێ فووتبالی	چیمەنێ فووتباڵ
ورزشکار	وەرزێش کر، وەرزێشکار	وەرزیشکار
توپ	تۆپ	تۆپ
تختی پهلوان جهان بود.	تەختی پەهلەوانێ جیهانێ (دۆنیایێ) بوو.	تەختی پەهلەوانی جیهانێ بوو.
مؤمن ورزشکار قوی است.	موئمنێ وەرزێشکار قەوی یە.	موئمنی وەرزیشکار قەوی یە.
روح سالم در جسم سالم است.	روحێ سالم ل جسمێ سالمدایە.	رووحی سالیم لە جیسمی سالیمدایە.
من ورزشکار هستم.	ئەز وەرزێشکارم .	ئەمن وەرزیشکارم .
ورزش بدن را سالم نگه می‌دارد.	وەرزێش بەدەنێ سالم خوویی (خودان) دکە.	وەرزیش بەدەنی سالیم رادەگرێ.
مسابقه	کێ بەرکێ، موسابقە	کێ بەرکێ، موسابقە
ورزش انسان را جوانتر می‌کند.	وەرزێش مەرڤا (ئنسان) جاحێل دکە(جەوان دکە).	وەرزێش مرۆڤ (پیاو) جاحیل(جەوان) دەکات.

سورانی (مهابادی)	بادینی (کرمانجی شمالی)	فارسی
ئـەمـن حـەمـوو رۆژەکـان وەرزێشی دکم.	ئـەز هـەر رۆژێ (هـەمـوو رۆژا) وەرزێشێ دکم.	من همه روزه ورزش میکنم.
ئینسانی (مرۆڤی) وەرزێشکار دەبی ئەخلاقەکەی باش بیت.	ئنسانێ وەرزێشکار گەرەکی ئـەخلاقێ وی باش بـە (بیت).	انسان ورزشکار باید اخلاقش خوب باشد.
وەلاتـی ئیـران قـەهـرەمـانی کۆشتی جیهانی یە.	وەلاتێ ئیرانێ قـەهـرەمـانێ زۆرانبیا (گوله شا) جیهانێ (دۆنیایێ) یە.	کشور ایران قهرمـان کـشتی جهان است.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
خرید و فروش و تعمیرات	کڕین و فرۆتن و تەعمیرات (چێکرن)	خرید وفروش و تەعمیرات (چاک کردنەوە)
مشتری	بکڕ، مشتەری، کڕیار	کڕیار
مغازه	دوکان	دووکان
فروشگاه	فرووشگا	فرۆشگە
تعمیرگاه	تەعمیرگا	تەعمیرگا
گران	گران، بها	گران
ارزان	ئەرزان	هەرزان
لباس‌فروشی	جلک (کنج) فرۆشی	جل وبەرگ فرۆشی
خرازی	خەرازی، تێل و دەرزی فروش	خەرازی
طلافروشی	زێر فرۆشی، زێرینگر	زێر فرۆشی، زێر نگەر
سبزی‌فروشی	پنجار فرۆشی	سەوزی فرۆشی
کفاش	سۆل دروو پینە چی	کەوش درو
عیب	عەیب، عار	عەیب
کشیدن	کشاندن، کێشاندن	کێشان
دوختن	دروون	دروون
درست‌کردن	چێکرن، ساز کرن	چا کردن، ساز کردن
بزازی	پەرچە فرۆش	بەزازی، پارچە فرۆش
این لباس خیلی گران است.	ئەڤ کراسا گەلەک گرانە.	ئەم کراسە زۆر گرانە.
ارزانتر از این بدهید!	ژ ئەڤێ ئەرزانتر بدە!	لەوە هەرزانترم دەیە!
برای هدیه	خەلاتارا، بۆدیاری	بۆدیاری
این اندازه باشد.	بە(بیت) ڤێ ئەندازێ	ئەوندازە بێت.

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
از این گشادتر دارید؟	ژ ئـەڤـێ فـشەتـر (فـرەتـر) هەیە؟	لەوە فشەتر دەبی؟
پولش چند می‌شود؟	پەرێ وێ دبە چەند، پارێ وێ دبیتە چەند؟	پوولـەکـە بـە چـەنـد دەبیـت (دەکا چەند.؟
من این رنگ را دوست دارم.	ئەز ڤی رەنگی حەزدکم.	ئەمن ئەو رەنگە پێم خۆشە.
می‌توانم بپوشم ؟	دکارم بەرکم(خوکم)؟	دەتوانم لە بەری کەم؟
چه عیبی دارد؟	چ عەیبە کە وێ هەیە؟	چ عەیبێکی هەیە؟
موتورش خراب شده است.	مـــاتورا وێ، وی خـــراپ بوویە.	مۆتۆرەکەی خراپ بوویە.
برای امروز لازم است؟	ئیرۆ را (بۆئیرو)لازمە؟	بۆئە مرۆ لازمە؟
فردا آماده می‌شود؟	سبحەینـێ (سـوبێ) ئامـادە دبە؟	سبحەینی (بەیانی) ئامادە دبێ؟
یک بار دیگر بشوئید.	جارەکە دۆنێژی (دیکـەژی) بشۆ.	جارێکی دیکە شی بشۆن.
لباس می‌شوئید؟	کنجا، جلکا دشۆن؟	بەرگ (لیباس) دەشۆن؟
چه وقت بیایم؟	چ ئاختی وارم،کەنگی بێم؟	کەی بێم؟
قیمت اینها چقدر است؟	قیمـەتـا ئـەڤـانـا چقاسـە(ب چەندێ یە)؟	ئەوانە قیمەتیان چەندە؟
پسندیدی؟	تەبەرگەم کر؟	پەسندت کرد؟
نمی‌دانم برایت چه بخرم؟	نزانم چ تەرا بکرم ، نەزانم بۆتە چ بکرم؟	نازانم چت بۆ بکرم؟
با تخفیف حساب کنید!	ب تـــەخفیـــف داشـــکاندن حەساب کە !	بە داشکاندن حیسابی بکە !

فارسی	بادینی(کرمانجی شمالی)	سورانی(مهابادی)
دوستم مغازه دارد.	دۆستێ من (هەڤالێ م) دوکانا وی هەیە.	دوستەکم دووکانی هەیە.
دیروز با دوستم به بازار رفتم.	دوه (دوینێ) تەڤ هەڤالێ خۆ چوومە بازارێ.	دۆینی دەگەل دوستم چووینە بازارێ.